

توبه آشتی با خداوند مهربان



محمد تقی صرفی پور



مقدمه:

بعد از حمد و سپاس خداوند مهربان و درود و صلوات
فراوان بر سرور پیامبران حضرت محمد و اهل بیت
طاهرینش

خداوند دوست دارد همه بندگان بهشتی شوند

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ ۖ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ
وَأِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ^۱

اگر کفر بورزید، خدا بی نیاز از شماست و او کفر را برای
بندگان خود نمی پسندد و اگر شکر بگذارید آن را برای
شما می پسندد.

چقدر خداوند مهربان است که راضی نیست یک نفر کافر
شود و از رحمت بیکران خدا محروم شود.

لذا اگر انسانی مدتی گناه بکند بعد توبه کند خدا از او خوشش می آید و محبوب درگاه الهی میشود.

وقتی انسان توبه می کند، خدا از او راضی می شود بیشتر از خوشحالی کسی که اثاثش را گم کرده سپس بعد از مدتی آنرا پیدا می کند .

جوانی که بدلالی مدتی را در انحراف بسر برده است، هر زمان که بخود آمد می تواند و باید برگردد و خود را نجات دهد . زیرا خداوند سبحان توبه پذیر است . دوست دارد که بندگان را از تاریکی به نور هدایت کند .

توبه محدودیتی ندارد و هرچقدر انسان گناه کند باز هم فرصت توبه است و هرچقدر گناه بزرگ باشد باز هم می تواند جبران و توبه کند .

توبه کردن در اسلام بسیار ساده است و شرط خاصی ندارد . کسی که می خواهد توبه کند لازم نیست که بازبان هم چیزی بگوید بلکه همینکه در دلش بگذراند که خدایا !

من بخودم ظلم کرده‌ام و از تو می‌خواهم که مرا ببخشی !
کافی است . همچنین برای توبه مکان معینی در نظر
گرفته نشده است بلکه در خانه، مسجد و محل کار و بازار
و هر جای دیگر که بخواهد توبه کند، میتواند .

البته چند چیز است که باعث تسریع در قبولی توبه می
شود: یکی نیکی به والدین است.

دوم نماز است . سوم صلوات بر پیامبر و آل پیامبر است
که گناهان را منهدم می‌کند. چهارم انجام کارهای خیر
و کمک به مستمندان است.

در اسلام برخلاف مسیحیت، نباید گناه خود را نزد شخصی
حتی روحانی یا نزدیکترین دوستان و فامیل گفت ! بلکه
گفتن گناه فقط در پیشگاه خدا رواست .

بعضی از جوانان کارهای زشت خود را نزد دوستان و رفقا
تعریف می‌کنند که این باعث معصیت بیشتر آنان
میشود زیرا اشاعه فحشا به شمار می‌رود . گناهی که
مخفیانه صورت بگیرد با توبه زودتر بخشیده می‌شود تا

گناهی که برای چند نفر تعریف کند و یاد حضور دیگران
گناه کند .

توبه هرچه زودتر انجام شود بیشتر امید رهایی می رود .
لذا کسی که گناهی مرتکب می شود، تا هفت ساعت به او
مهلت می دهند و گناهش را نمی نویسند . اگر در این
فاصله توبه کرد، که هیچ . والا گناهش را می نویسند تا
پس از توبه پاک شود .

اگر گناه انسان حق الناس باشد مثل دزدی یا
کلاهبرداری باید شخص صاحب حق را راضی کند .
و فرقی ندارد که مال او را پس دهد و یا از او حلالیت
بگیرد . و فرقی ندارد که مستقیم نزد او برود و مالش را
پس دهد و یا اینکه بصورت غیر مستقیم به او برگرداند .
مثلا برایش پست کند و یا بعنوان هدیه به او بدهد .
انسان اگر توبه شکست دوباره توبه کند و هرگز از
درگاه خداوند مهربان نا امید نشود.

انشاءالله كه همه گنه كاران توبه كنند و محبوب الهى
بشوند.

زمستان ۹۸-كرمانشاه

اهمیت توبه

اکثر انسانها در زندگی به گناه و معصیت آلوده میشوند درحالی که فطرت هر انسانی پاک است لذا وقتی گناه می کنند خیلی شرمنده و خجالت زده و ناراحت و نالان و افسرده و پشیمان و گریان می شوند چون از فطرت خود دور شده اند و خداهم از آنها ناراحت شده است. دراین موقع باید فوری توبه کنند تا دوباره پاک شوند و نشاط روحی برگردد و دلشان شاد شود و...

آیات توبه:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ
أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمُ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ

تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ
آمَنُوا (تحریم ۸) ..

خدای رحمان و رحیم در قرآن می فرماید :

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا
مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ
الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. وَ أَنْبِئُوا إِلَى رَبِّكُمْ وَ أَسْلِمُوا لَهُ مِنْ
قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنْصَرُونَ،

بگو ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم
کرده اید از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا
همه گناهان را می آمرزد. و به درگاه پروردگارتان
باز گردید و در برابر او تسلیم شوید، پیش از
آنکه عذاب به سراغ شما آید سپس از سوی
هیچکس یاری نشوید

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ
الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛^۲»

آیا نمی دانستند که فقط خداوند توبه را از
بندگان می پذیرد و صدقات را می گیرد و
خداوند توبه پذیر مهربان است؟

وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ
السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ؛^۳» او (خدا) کسی
است که توبه را از بندگان می پذیرد و گناهان
را می بخشد و آنچه را انجام می دهید، می -داند

وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ
تُفْلِحُونَ؛^۴» و همگی به سوی خدا باز گردید ای
مؤمنان تا رستگار شوید.» در این آیه در کنار

^۲ توبه ۱۰۴

^۳ شوری / ۲۵

^۴ شوری / ۲۵

خطاب شفقت آیه اَیُّهَا الْمُؤْمِنُونَ و بیان ثمره مهم
توبه که رستگاری ابدی است؛ فرمان صریح
وجوبی بر انجام توبه داده است

التائبون العابدون الحامدون السائحون الراكعون
الامرون بالمعروف والناهون عن
المنکر والحافظون لحدود الله وبشر المؤمنون
مؤمنین کسانی هستند که توبه می کنند، عبادت می
کنند، شکر خدا را می کنند و در حال رکوع هستند
در حال سجده هستند، امر به معروف و نهی
از منکر می کنند، از حدود الهی محافظت می کنند
و بشارت بده به این افرادی که دارای این اوصاف
هستند

محبوب خدا شدن: قرآن کریم می فرماید: [إِنَّ
اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ]؛^۵ «به
راستی که خداوند توبه کنندگان و پاکان را دوست
می دارد.»

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ
يَبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا
رَحِيمًا؛^۶ «مگر کسانی که توبه کنند و ایمان
آورند و عمل صالح انجام دهند که خداوند گناهان
آنان را به حسنات مبدل می کند و خداوند همواره
آمرزندهٔ مهربان بوده است
روایات توبه:

^۵ بقره / ۲۲۲.

^۶ فرقان / ۷۰.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «لَيْسَ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ مُؤْمِنٍ تَابَ أَوْ مُؤْمِنَةٍ تَابَتْ»^۷ چیزی در نزد خداوند محبوب تر از مرد مؤمن توبه کار و زن مؤمن توبه کننده نیست

امام صادق علیه السلام می فرماید: خداوند به داوود علیه السلام وحی کرد: «يَا دَاوُدُ إِنَّ عَبْدِي الْمُؤْمِنَ إِذَا أَذْنَبَ ذَنْبًا ثُمَّ رَجَعَ وَتَابَ مِنْ ذَلِكَ الذَّنْبِ وَاسْتَحْيَى مِنْنِي عِنْدَ ذِكْرِهِ غَفَرْتُ لَهُ وَ أَنْسَيْتُهُ الْحَفَظَةَ وَ أَبْدَلْتُهُ الْحَسَنَةَ وَ لَا أُبَالِي وَ أَنَا أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»^۸ ای داود! به راستی بنده مؤمن هر گاه گناهی انجام دهد، سپس برگردد و از آن گناه توبه کند، و هنگام یاد آن گناه از من حیا

^۷ میزان الحکمه، ج ۱، ص ۳۳۸، ح ۳۱۱۸.

^۸ میزان الحکمه، ج ۱، ص ۳۴۵، ح ۳۱۸۵.

کند، گناه او را می بخشم و کاری می کنم که
حافظان (نویسندگان) آن را از یاد ببرند و آن
گناه را به حسنه تبدیل می کنم و [از کسی] باکی
ندارم، در حالی که من مهربان ترین مهربانانم

نمونه هایی از تائبان در قرآن

در قرآن داستانهای فراوانی از توبه انبیاء علیهم
السلام و غیر آنان بیان و مطرح شده است که ما
به جهت استفاده بیشتر و کاربردی تر مطرح
کردن توبه، به نمونه هایی از توبه غیر معصومان
اشاره می کنیم:

۱. متخلفان تائب

سه نفر از مسلمانان به نام «کعب بن مالک»، «
ضراره بن ربیع» و «هلال بن امیه» از شرکت در
جنگ تبوک و حرکت همراه پیامبر سرباز زدند،
ولی این به خاطر آن نبود که جزء دار و دسته
منافقان باشند، بلکه به خاطر سستی و تنبلی بود و
چیزی نگذشت که نادم و پشیمان شدند. هنگامی
که پیامبر صلی الله علیه و آله از صحنه تبوک به
مدینه بازگشت، آنها خدمت پیامبر صلی الله علیه
و آله رسیدند و عذرخواهی کردند؛ اما پیامبر صلی
الله علیه و آله حتی یک جمله با آنها سخن نگفت
و به مسلمانان نیز دستور داد که احدی با آنها
سخن نگوید .

آنها در یک محاصره عجیب اجتماعی قرار
گرفتند، تا آنجا که حتی کودکان و زنان آنان نزد
پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و اجازه خواستند
که از آنها جدا شوند. پیامبر صلی الله علیه و آله

اجازه جدایی نداد، ولی دستور داد که به آنها نزدیک نشوند. فضای مدینه با تمام وسعتش چنان بر آنها تنگ شد که مجبور شدند برای نجات از این خواری و رسوایی بزرگ، شهر را ترک گویند و به کوههای اطراف مدینه پناه ببرند.

اینها همه زمینه توبه را در آنها فراهم می کرد. از جمله مسائلی که حالت توبه را در آنها ایجاد کرد این بود که کعب بن مالک می گوید: روزی در بازار مدینه با ناراحتی نشسته بودم، دیدم یک نفر مسیحی شامی سراغ مرا می گیرد. هنگامی که مرا شناخت، نامه ای از پادشاه غسان به دست من داد که در آن نوشته بود: اگر صحبت تو را از خود رانده، به سوی ما بیا! حال من منقلب شد [و اشک در چشمانم حلقه زد و] گفتم: ای وای بر من! کارم به جایی رسیده که دشمنان در من طمع کرده اند .

از طرف دیگر، بستگان آنها غذا برای آنها می بردند. اما حتی یک کلمه با آنها سخن نمی گفتند. مدتی به این منوال گذشت و پیوسته شب و روز انتظار می کشیدند که توبه آنها قبول شود و آیه ای که دلیل بر قبولی توبه آنها باشد، نازل گردد، اما خبری نمی شد. در این هنگام، فکری به نظر یکی از آنان رسید و به دیگران گفت: اکنون که مردم با ما قطع [رابطه] کرده اند، چه بهتر که ما هم از یکدیگر قطع رابطه کنیم. این کار بر حال توبه آنها افزود. پیشنهاد عملی شد؛ به طوری که حتی یک کلمه با یکدیگر سخن نمی گفتند، ولی بر تضرع و زاری آنها افزوده شد. این وضعیت پنجاه روز طول کشید و در طول این مدت، اظهار ندامت و پشیمانی و تضرع و گریه و زاری در پیشگاه الهی داشتند. سرانجام توبه آنان پذیرفته شد و این آیه به عنوان پذیرفته شدن توبه آنان

نازل گشت [۹]: وَ عَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلْفُوا حَتَّى إِذَا
 ضَاغَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَ ضَاغَتْ عَلَيْهِمُ
 أَنْفُسُهُمْ وَ ظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنْ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ
 عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ [۱۰] و
 آن سه نفر که [در مدینه] بازماندند [و از شرکت
 در جنگ تبوک خودداری کردند و مسلمانان با
 آنان قطع رابطه کردند] تا آن حد که زمین با همه
 وسعتش بر آنها تنگ آمد و [حتی] جایی در وجود
 خویش برای خود نمی یافتند و دانستند که
 پناهگاهی از خدا جز به سوی او نیست. در آن
 هنگام، خدا به آنان توفیق توبه داد تا توبه کنند و
 خداوند توبه پذیر و مهربان است. »
 از آیه فوق و شأن نزول آن به دست آمد که مردم
 و جامعه و رهبران جامعه باید تلاش کنند هم راه

۹ تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۱۴، ج ۷، ص ۱۳۴، ح ۲.
 ۱۰ توبه، ۱۱۸.

توبه را برای مجرمان باز گذارند و هم زمینه آن را فراهم کنند؛ چرا که توبه در تحوّل و سازندگی نقش مؤثری دارد.

۲. توبه غلام وحشی، قاتل حمزه

یکی از مشکل ترین و تلخ ترین حوادث برای رسول خدا صلی الله علیه و آله شهادت فجیع عموی بزرگوارش حضرت حمزه سید الشهداء علیه السلام بود. قاتل حمزه (وحشی) پس از کشتن حمزه، پهلوی او را درید و جگرش را به عنوان هدیه برای هند، همسر ابوسفیان برد. پیامبر با دیدن منظره فجیع شهادت حمزه، سوگند یاد کرد که به تلافی این جنایت، هفتاد نفر از مشرکان را بکشد؛ ولی بعداً نه تنها چنین تلافی نکرد، بلکه همان قاتل را نیز به سوی اسلام دعوت کرد و او را وادار به توبه ساخت .

ابن عباس نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و

آله شخصی را نزد وحشی قاتل عمویش فرستاد تا او را به اسلام دعوت کند. وحشی به فرستاده پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: به او بگو: تو می گویی آن که مرتکب قتل یا شرک یا زنا شود، در روز قیامت با ذلت گرفتار عذابی مضاعف خواهد شد و من تمام این کارها و گناهان را مرتکب شده ام، آیا باز هم راه برایم باز است؟ خداوند این آیه را نازل فرمود: [إِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمَلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يَبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ]؛ «مگر آن که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد. پس خدا اعمال زشت ایشان را به اعمال نیک تبدیل می کند».

وحشی با شنیدن این آیه دوباره به پیامبر صلی الله علیه و آله پیغام داد: توبه و ایمان و عمل صالح شرطهای بسیار مشکلی است و من توان آن را

ندارم. پس از مدّتی این آیه نازل شد: [إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ شَاءَ]؛^{۱۲} به راستی که خداوند شرک ورزیدن را نخواهد بخشید، ولی آنچه را کمتر از آن است، برای کسی که بخواهد، خواهد بخشید».

وحشی در پیام مجدد خود گفت: خداوند در این آیه وعده مغفرت را به کسانی داده است که خود بخواهد و من نمی دانم خدا می خواهد مرا ببخشد یا نه؟ پس از گذشت زمانی آیه ذیل نازل شد: [قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ]؛^{۱۳} بگو ای بندگان من که بر خویش اسراف روا داشته اید! از رحمت خداوند نومید نشوید. به راستی که خداوند همه گناهان را می

^{۱۲} نساء/ ۴۸.

^{۱۳} زمر/ ۵۳.

بخشد. همانا او آمرزنده و مهربان است». وحشی با شنیدن این آیه گفت: اکنون آری. آن گاه به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله مشرف شد، اسلام آورد و از گذشته خود توبه کرد و در ادامه زندگی اش فداکاریهایی در راه مبارزه با دشمنان اسلام کرد.» [۱۴]

در تفسیر آیات توبه آمده: فرشتگان، گناهان گناهکار را برای عرضه به لوح محفوظ می برند، آنجا به جای گناهان، حسنات برای عبد می بینند، به سجده می افتند و به پیشگاه حق عرضه می دارند: آنچه انجام داده بود نوشتیم، ولی غیر آن را می بینیم! پاسخ می شنوند: راست می گوئید، ولی بنده گنهکار من پشیمان شد و با گریه و زاری

^{۱۴} حیاة الصحابه، کاهلوندی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰، ج ۱، ص ۴۱.

واشک و آه به در خانه من آمد، من از گناهانش
گذشتم و او را بخشیدم و کرمم را به او هدیه
کردم، من اکرم الاکرمینم

گنهکار و امید به توبه

یکی از نیکان را دیدند که زیاد گریه می کند و
فراوان اشک می ریزد، گفتند: سبب این همه
گریه و ناله چیست؟ گفت: اگر خداوند به من
بفرماید به خاطر گناهانت، برای همیشه تورا در

حمّامی گرم حبس می کنم، سزاوار است اشک
چشمم تمام نشود، ولی چه کنم که تهدید کرده
گناهکار اهل عذاب و مستحق جهنم است، جهنمی
که آتشش را هزارسال ملکوتی گیراندند
قرمز شد، هزارسال روی آن کار کردند سپید شد،
وهزارسال دیگر بر آن دمیدند سیاه شد، من با آن
سیاهچال چه کنم؟ تنها امید من برای نجات از آن
عذاب سخت، توبه و انابه و عذرخواهی از خداوند
است

نمونه ای از توبه های معروف

۱- توبه حضرت ادم(ع)

وقتی که حضرت آدم (ع) از بهشت بیرون شد از کاری که کرده بود و از فراق حوا و بهشت، آنقدر گریه کرد، که روی صورتش دو شیار مثل جوی

درست شد و اشک چشمش از آن جاری می شد
که پرنده ها از آن میآشامیدند.

و تا چهل سال این گریه ادامه داشت، و از کرده
خود پشیمان و تائب بود. و توبه کرد. خداوند
متعال توبه او را پذیرفت و حضرت جبرئیل (ع)
را فرستاد که کلماتی به حضرت آدم (ع) پیامزد
و آن کلمات همان بود که قبلا در عرش دیده بود.

حضرت جبرئیل (ع) به او فرمود: بگو: یا حمید
بحق محمد، یا عالی بحق علی، یا فاطر بحق فاطمه،
یا محسن بحق الحسن و (یا ذا الاحسان بحق)
الحسین منک الاحسان.

وقتی حضرت آدم (ع) به اسم امام حسین (ع)
رسید، اشکش جاری شد و قلبش به درد آمد.
فرمود:

ای برادر جبرئیل چرا در ذکر پنجمین اسم که
حسین است قلبم شکست و اشکم جاری شد؟
حضرت جبرئیل فرمود: ای آدم به این فرزندت
مصیبتی وارد می شود که تمام دردها و غمها و
مصیبتها پیش این ناچیز است؟ حضرت آدم (ع)
فرمود: ای برادر آن مصیبت چیست؟ حضرت
جبرئیل (ع) واقعه کربلا را برای او می گوید، و
میفرماید: او را تشنه و غریب و بی‌کس و تنها و بی
یار و یاور شهید می کنند، ای آدم؛ اگر او را در
حالی که می فرمود: واعطشاه، و اقله ناصراه می
دید. .. بطوری که تشنگی میان او و آسمان مثل
دود حایل شده بود.... هیچکس جواب او را نمی
دهد.

مگر با شمشیر و... او را مانند گوسفند از پشت
سر ذبح می کنند و مال و کاروانش را بتاراج و
غارت می برند... سر او و یارانش را شهر به شهر
می گردانند...

حضرت آدم (ع) تا این واقعه را شنید مثل مادری
که جوانش را از دست داده بلند بلند گریه کرد!

در روایت درباره رابطه توبه حضرت ادم با نماز
مغرب آمده است: نماز مغرب، همان ساعتی است
که خداوند عزّ و جلّ بر آدم علیه السّلام ببخشد و
توبه او را در آن موقع قبول فرمود، و فاصله میان
وقتی که آدم از آن درخت تناول کرد تا موقعی
که خداوند عزّ و جلّ توبه او را قبول فرمود سیصد
سال بود بر حسب روزهای دنیا نه بر حسب
روزهای آخرت که هر روز از روزهای آن باندازه

هزار سال است و این مدّت از عصر تا شام بود و
حضرت آدم سه رکعت نماز بجای آورد یک
رکعت جهت کفاره گناه خودش و یک رکعت
بعنوان کفاره گناه حوّا و رکعتی دیگر بشکرانه
پذیرفته شدن توبه‌اش، پس خداوند عزّ و جلّ این
سه رکعت نماز را بر امتّ من واجب فرمود،

۲- توبه یونس نبی

یونس(ع) یکی از پیامبران خداست که نام
مبارکش چهار بار در قرآن آمده است. یونس(ع)
از پیامبران بنی اسرائیل و بعضی او را از نوادگان
حضرت ابراهیم(ع) دانسته اند. این پیامبر الهی
حدود ۸۲۵ سال قبل از میلاد مسیح در سرزمین

نینوا نزدیک شهر موصل در عراق کنونی ظهور
کرد.

مردم نینوا بت پرست بودند و در همه ابعاد
زندگی خود در میان فساد و تباهی غوطه می
خوردند. یونس(ع) قوم خود را ۳۳ سال به خدا
پرستی و ترک گناه دعوت کرد، اما در این سال
ها فقط دونفر به او ایمان آوردند.

یونس(ع) از هدایت قوم خود مایوس شد و
شکایت نزد خدا برد، این چنین به خدا عرض
کرد:خدایا من سالیان سال این قوم را هدایت و به
سمت تو دعوت کردم.اما آنها رسالت من را
تحقیر کردند.

سپس یونس(ع) از درگاه خدا برای قوم خود
تقاضای عذاب کرد و آنها را نفرین نمود و در این
راستا بسیار اصرار ورزید تا خداوند به پیامبرش
وحی کرد: عذابم را بر قوم تو می فرستم.

پس از اتفاقات مختلف، یونس(ع) از نینوا خارج
شد و به راه خود ادامه داد تا به کنار دریا رسید. در
آنجا منتظر ماند. ناگاه کشتی مسافربری فرا رسید
و یونس(ع) سوار کشتی شد. در اواسط راه، یک
ماهی بسیار بزرگ، سر راه کشتی را گرفت، در
حالی که دهان باز می کرد، گویی غذا می
طلبد. سرنشینان کشتی گفتند گویا گنهکاری در
میان ماست که باید طعمه ماهی گردد بین
سرنشینان قرعه انداختند قرعه به نام یونس(ع)

افتاد. حتی سه بار این کار را انجام دادند و هر سه بار نام یونس(ع) درآمد. سرانجام یونس(ع) را در دریا افکندند و آن ماهی غول آسا این پیامبر الهی را بلعید.

ماهی یونس(ع) را به دریا برد. در روایتی از امام صادق نقل شده است: یونس(ع) چهار هفته از قوم خود غایب شد. هفت روز هنگام رفتن به دریا، هفت روز در شکم ماهی، هفت روز پس از خروج از دریا زیر درخت به دلیل ضعف شدید جسمانی و هفت روز هنگام مراجعت به نینوا. البته در مورد اینکه یونس(ع) چه مدتی در شکم ماهی بود، روایات متفاوتی وجود دارد. از ۹ ساعت، سه روز، گرفته تا چهل روز و این موضوع به خوبی روشن

نیست. ناگفته نماند داستان رفتن یونس (ع) در دل ماهی از معجزات الهی است و شاید توجیه علمی نداشته باشد؛ هرچند برخی ها دلایل علمی نیز برای اثبات این اتفاق می آورند.

اما در این میان یونس (ع) از کار خود پشیمان گشت و مداوم در دل ماهی با خدا راز و نیاز می کرد و توبه کنان خدا را صدا می زد. در نهایت خدا توبه او را پذیرفت و ماهی او را کنار ساحل از دل خود خارج کرد. نکته بسیار مهم در مورد یونس (ع) این است که خداوند در آیه ۱۴۳ و ۱۴۴ سوره صافات می فرماید: و اگر یونس (ع) از تسبیح کنندگان نبود تا روز قیامت در شکم ماهی می ماند.

در همین اثنا که یونس(ع) در دل ماهی و میانه
دریا بود قومش توبه کرده بودند و خداوند بر
آنها عذاب نفرستاد.

آثار و برکات ذکر یونسیه

ذکری که یونس نبی در شکم نهنگ شد، جاویدان
شد و این ذکر را هر کسی بگوید آثار و برکات
فراوانی نصیبش میشود.

پیامبر گرامی(ص) فرمودند: آیا به شما خبر دهم
از دعایی که هرگاه غم و گرفتاری پیش آمد آن
دعا را بخوانید گشایش حاصل شود؟ اصحاب
گفتند: آری ای رسول خدا. آن حضرت
فرمود: دعای یونس که طعمه ماهی شد: **لا اله الا**
انت سبحانک انّی کنت من الظالمین.

همچنین فرمودند: هر بیمار مسلمانی که این دعا را
بخواند، اگر در آن بیماری بهبودی نیافت و مرد،
پاداش شهید به او داده می شود و اگر بهبودی
یافت، خوب شده در حالی که تمام گناهانش
آمرزیده شده است.

امام صادق (ع) فرمودند: عجب دارم از کسی که غم
زده است چطور این دعا را نمی خواند لا اله الا انت
سبحانک انی کنت من الظالمین چرا که خداوند به
دنبال آن می فرماید: فاستجبنا له و نجیناه من الغم
و کذلک ننجی المؤمنین؛ ما او را پاسخ دادیم و از
غم نجات دادیم و این چنین مؤمنان را نجات می
دهیم.

مرحوم کلینی نقل می کند: مردی خراسانی بین
مکه و مدینه در ربذه به امام صادق (ع) برخورد و
عرضه داشت: فدایت شوم من تا کنون فرزندانم،
نشده ام، چه کنم؟

حضرت فرمود: هرگاه به وطن برگشتی و خواستی
به سوی همسرت روی آیه، و ذالنون إِذْ ذَهَبَ
مَغَاضِبًا فَظَنَّ أَن لَّنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ
أَن لَّا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ را
تا سه آیه بخوان إِنْ شَاءَ اللَّهُ فرزندان دار خواهی شد.

چون این ذکر به معنی استغفار است در آن هیچ
عوارضی نیست. برای دیدن حالات برزخی مؤثر
است.

برای تقویت نفس و قلب و مکاشفات بسیار خوب
است و برای رفع حجب و نورانیت مؤثر است و
استجاب دعا و نجات مؤمنین، از طرف خدا شامل
گوینده آن می شود

۳- توبه نوح نبی

حضرت نوح نبی و غرق شدن فرزندش کنعان! و
اعتراض نوح به خداوند و جواب خداوند و توبه

نوح

وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحٌ

أَبْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ

مَعَ الْكَافِرِينَ ﴿٤٢﴾

و آن [کشتی] ایشان را در میان موجی کوه آسا می برد و
نوح پسرش را که در کناری بود بانگ درداد ای پسرک
من با ما سوار شو و با کافران مباش (۴۲)

قَالَ سَآوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا

عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا

الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمَغْرِقِينَ ﴿٤٣﴾

گفت به زودی به کوهی پناه می جویم که مرا از آب در
امان نگاه می دارد گفت امروز در برابر فرمان خدا هیچ
نگاهدارنده ای نیست مگر کسی که [خدا بر او] رحم کند

و موج میان آن دو حایل شد و [پسر] از غرق شدگان

گردید (۴۳)

وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ

الْمَاءُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ

بَعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٤٤﴾

و گفته شد ای زمین آب خود را فرو بر و ای آسمان [از

باران] خودداری کن و آب فرو کاست و فرمان گزارده

شده و [کشتی] بر جودی قرار گرفت و گفته شد مرگ بر

قوم ستمکار (۴۴)

وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ

وَعَدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ ﴿٢٥﴾

و نوح پروردگار خود را آواز داد و گفت پروردگارا
پسرم از کسان من است و قطعاً وعده تو راست است و تو
بهترین داورانى (۴۵)

قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ

فَلَا تَسْأَلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ

تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٢٦﴾

فرمود ای نوح او در حقیقت از کسان تو نیست او [دارای]
کرداری ناشایسته است پس چیزی را که بدان علم نداری
از من مخواه من به تو اندرز می دهم که مبدا از نادانان
باشی (۴۶)

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ

عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنْ

الْخَاسِرِينَ ﴿٤٧﴾

گفت پروردگارا من به تو پناه می برم که از تو چیزی
بخواهم که بدان علم ندارم و اگر مرا نیامرزی و به من
رحم نکنی از زیانکاران باشم (۴۷)

قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ

أُمَمٍ مِّمَّنْ مَعَكَ وَأُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِنَّا

عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٤٨﴾

گفته شد ای نوح با درودی از ما و برکتهایی بر تو و بر
گروههایی که با تواند فرود آی و گروههایی هستند که به
زودی برخوردارشان می کنیم سپس از جانب ما عذابی
دردناک به آنان می رسد (۴۸)

..... (ایات ۴۲ تا ۴۸ سوره مبارکه هود).....حضرت

نوح(ع) چهار پسر به نامهای سام، حام، یافث و
کنعان داشت. در میان آنها **کنعان** تنها پسری بود

که به موعظه‌های پدر توجه نکرد و به او ایمان
نیاورد و در نهایت در عذاب الهی که به صورت
طوفان نازل شده بود به همراه کافران غرق
شد..پسر نوح که در قرآن کریم به وی اشاره
شده است، به حضرت نوح، ایمان نیاورد و به
همراه کافران در عذاب الهی (طوفان) غرق شد.
قرآن کریم در آیات ۴۰ الی ۴۷ سوره هود به
داستان پسر حضرت نوح اشاره کرده است.... بنا
به روایت قرآن، نوح پسرش را دعوت می‌کند تا
سوار کشتی شود اما پسر قبول نمی‌کند و می‌گوید
بالای کوهی می‌روم تا از طوفان در امان باشم. نوح
بار دیگر از پسر دعوت به سوار شدن در کشتی
می‌کند و می‌گوید این طوفان عذابی است که کسی
نمی‌تواند از آن فرار کند مگر اینکه خداوند
بخواند. خداوند در این هنگام با موجی میان نوح

و پسرش فاصله می اندازد و در نهایت پسر نوح
در طوفان نوح نبی به خداوند عرضه می دارد این
پسر عضو خانواده من است! خدا پاسخ می دهد
این اهل و خانواده تو نیست این عمل غیر صالح
است! و تو را نصیحت می کنم که نادان نباشی!
نوح فوراً عذرخواهی می کند و می گوید پناه می
برم که مطلب نادرستی از تو سوال کنم. قَالَ رَبِّ
إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا
تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ و اگر مرا
نبخشی و به من رحم نکنی من جزو زیان کاران
خواهم بود. خداوند می فرماید: قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ
بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أُمَمٍ مِّمَّنْ مَعَكَ
وَأُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ.. پسر
نوح با بدان بنشست خاندان نبوتش گم شد

سگ اصحاب کھف روزی چند پی نیکان گرفت
و آدم شد

داستان توبه ثعلبه

نقل شده ثعلبه از مسلمانان زمان پیامبر اسلام (ص)
(گناهی مرتکب شد. پیامبر (ص) و مردم مدینه او
را طرد کردند او هم به بیابان ها رفت مشغول
توبه شد تا اینکه توبه اش قبول شد امیر المؤمنین
و مسلمانان رفتند و او را به مسجد آوردند در
مسجد پیامبر مشغول نماز بود ثعلبه اقتدا کرد
همین که پیامبر در سوره فرمود الهاکم
التکاثری یعنی ثروت اندوزی شما را مشغول کرده
ثعلبه نعره ای زد وقتی که

پیامبر فرمود حتی زرتم المقابر تا زمانی که از دنیا
رفتید باز ثعلبه ناله کرد و چون پیامبر فرمود کلا

سوف تعلمون به زودی نتیجه اعمال خودتان را
خواهید دید ثعلبه ناله ای کرد و جان به جان
آفرین تسلیم کرد همه از آثار مفید نماز هست
خوشا به حال او که این چنین در نماز پیامبر به
خداوند پیوست

۴- توبه حُر

حر بن یزید ریاحی مردی شجاع و نیرومند است
،اولین بار که عبیدالله بن زیاد حاکم کوفه می
خواهد هزار سوار برای مقابله با حسین بن علی
(ع) بفرستد او را به فرماندهی این گروه انتخاب
می کند. اینک حر آماده شده است تا با حسین
(ع) بجنگد، صحنه ای عجیب تماشایی است
گوشها منتظر این خبرند که بشنوند حر با آن
شجاعت و نیرومندی و دلیری با حسین (ع) چه

میکند؟

راوی می گوید: برخلاف تصور و انتظار، در آن
هنگام حر بن یزید ریاحی را در لشکر عمر دیدم
در حالی که مثل بید می لرزید! من تعجب کردم
رفتم جلو گفتم: حر! من تو را مرد بسیار شجاعی
می دانستم بطوری که اگر از من می پرسیدند
شجاع ترین مردم کوفه کیست ؟ از تو نمی
توانستم بگذرم . اینک تو چطور ترسیده ای ؟ که
اینگونه لرزه بر اندامت افتاده است ؟!

حر جواب داد: اشتباه کرده ای من از جنگ نمی
ترسم.

-پس از چه ترسیده ای؟

من خودم را در سر دو راهی بهشت و جهنم می
بینم، نمی دانم چه کنم؟ این راه را بگیرم یا آن را
انتخاب کنم؟ عاقبت تصمیمش را گرفت، آرام
آرام اسب خودش را کنار زد، بطوری که کسی
نفهمید چه مقصود و هدفی دارد همین که رسید به
نقطه ای که دیگر نمی توانستند جلویش را بگیرند
ناگهان به اسب خویش شلاقی زد و خود را به
نزدیک خیمه حسین (ع) رساند. سپرش را وارونه
کرد کنایه از اینکه برای جنگ نیامده ام بلکه امان
می خواهم. به نزدیک امام حسین(ع) که رسید
سلام عرض کرد و سپس گفت: هل لی توبه؟ آیا
توبه از من پذیرفته است؟ فرمود: بله البته قبول
است.

آنگاه حر عرض کرد: اقا حسین جان، به من اجازه

بدهید تا به میدان بروم و جان خویش را فدای راه
شما بکنم.

امام (ع) فرمود: اینک تو مهمان ما هستی از اسب
بیا پایین و چند لحظه ای را در نزد ما بمان.

-آقا! اگر اجازه بفرمایید تا به میدان بروم بهتر
است. انگار که این مرد(حر) خجالت می کشید
شرم داشت، چرا؟ چون با خودش زمزمه می کرد
که ای خدا! من همان گنهکار هستم که اولین بار
دل اولیاء تو، بچه های پیغمبر تو را لرزانم.

حر خیلی مضطرب به نظر می رسید برای رفتن به
میدان خیلی عجله داشت زیرا که با خود می
اندیشید نکند هم اکنون در همین حال که اینجا
نشسته ام یکی از بچه های حسین علیه السلام

بیاید و چشمش به من بیفتد و من بیش از این
شرمنده و خجل شوم؟! آری حر توبه کرد توبه
ای جدی، از راهی که رفته بود برگشت، از
طرفداری ظلم و فساد دست برداشت و به
هواداری از حق و عدالت پرداخت، از لشکر یزید
بیرون شد و به سپاه حسین پیوست، حسین هم او
را بی قید و شرط پذیرفت، زیرا کرم حسینی
چنین اقتضا می کرد.

وقتی که حر آمد هرگز امام نفرمود که این چه
وقت توبه است؟ ما را به این بدبختی نشانده ای
حالا آمده ای تا توبه کنی؟ بلی حسین اینجور فکر
نمی کند، حسین همه اش دنبال هدایت مردم
است حتی اگر بعد از آن که تمام جوانانش هم
شهید شدند لشکریان عمر سعد نیز توبه می

کردند می گفت توبه همه آنان را قبول می کنم، به دلیل این که یزید به معاویه بعد از حادثه کربلا به علی بن الحسین (ع) گفت: اگر من توبه کنم قبول می شود؟ بله ! تو اگر واقعا توبه بکنی قبول می شود، ولی او هرگز توبه نکرد.

۵-توبه عیاض

فضیل بن عیاض ، یکی از دزدان معروف بود. کاروانها را مورد دستبرد قرار می داد و با نهایت زبردستی ، اموال مردم را به غارت می برد. کاروان هایی که از منطقه ی سرخس می گذشتند ، تمام مراقبتهای لازم را به کار می بردند که به چنگ فضیل گرفتار نشوند.

این راهزن خطرناک ، به دام عشق دختری افتاد و تصمیم گرفت شبانه خود را به خانه ی معشوقه ی

خود برساند و از وصل او کامیاب شود. نیمه شب ،
از دیوار خانه ی دختر بالا رفت ولی هنوز ، قدم به
خانه ی او نگذاشته بود که آهنگ دلنشینی از خانه
ی مجاور شنید. گوش فر داد ، مردی قرآن

می خواند و به این آیه ی شریفه رسیده بود:

اَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا اَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللّٰهِ

***سوره حدید ، آیه ۱۶

یعنی : آیا هنوز وقت آن نرسیده که دلهای مردم

با ایمان با یاد خدا خاضع و خاشع شود ؟.

شنیدن این آیه ، چنان تحولی در درون فضیل به

وجود آورد که بی اختیار گفت:

خداوندا ! وقت آن رسیده است ؛ و فوراً از دیوار

پایین آمد و از گناهی که در نظر داشت چشم

پوشید.

همین تذکر سبب شد که فضیل از تمام آلودگی ها

، خود را نجات دهد و دست از دزدی و گناه
بشویید . در همان شب که این دگرگونی در درون
فضیل پدید آمده و او را سرگردان و منقلب
ساخته بود ، گذرش به کاروانسرای افتاد که
کاروانی در آن فرود آمده و بار انداخته بود.
فضیل در گوشه ای خزید و سر به گریبان ، بر
گذشته ی پرگناه خود افسوس می خورد. در آن
حال شنید که کاروانیان درباره ی ساعت حرکت
سخن می گویند.

یکی از کاروانیان می گفت : رفقا ! امشب حرکت
نکنید و بگذارید هوا روشن شود ، زیرا به قرار
اطلاع ، فضیل بر سر راه است و خطر او قافله را
تهدید می کند.

سخن اضطراب آمیز کاروانیان ، آتشی در دل
فضیل برافروخت و از اینکه جنایات او ، این چنین

مردم را مضطرب و پریشان ساخته به شدت متأثر
شد و بی اختیار از جا برخاست و گفت:
مردم بدانید من فضیل بن عیاضم و آسوده خاطر
باشید که دیگر فضیل دزدی نمی کند و سر راه را
بر کاروانیان نمی بندد. او به درگاه خدا بازگشته و
از گناه خود توبه کرده است *** .

آنچه این مرد را از گناه باز داشت و سرنوشت او
را تغییر داد ، یک یادآوری بود ، ولی او دارای
اعتقادات و ایمان ضعیفی بود که آن یادآوری
توانست در دلش اثر بگذارد و در او تحول و
دگرگونی پدید آورد.

۶-توبه سید حسین قمی

حسین بن حسن یکی از نوادگان امام جعفر صادق
علیه السلام بود که در قم زندگی می کرد و

آشکارا شراب می نوشید. روزی به منزل احمد بن
اسحاق اشعری که وکیل امام حسن عسگری علیه
السلام در امور اوقاف بود رفت ولی احمد بن
اسحاق به او اجازه دیدار نداد. حسین بن حسن
نیز محزون به خانه برگشت.

همان سال احمد اسحاق پیش از حج به سامراء
رفت و اجازه خواست تا با امام حسن عسگری
علیه السلام ملاقات کند ولی امام اجازه نداد. احمد
بن اسحاق مدتی گریست و بی تابى کرد تا
سرانجام امام به او اجازه داد.

احمد اسحاق به امام عرض کرد: «ای پسر رسول
الله، چرا مرا از دیدارتان منع کردید، در حالی که
من از شیعیان و دوستان شما هستم؟»

امام فرمود: «زیرا تو پسر عموی ما را از خانه ات
طررد کردی.»

احمد بن اسحاق شروع به گریه کرد و سوگند
خورد که هدفش فقط این بوده که حسین بن
حسن از خوردن شراب توبه کند.

امام فرمود: «درست می گویی، ولی در هر حال
احترام و تکریم آنها باید به جای خود محفوظ
باشد. مبدا آنان را تحقیر و خوار کنی زیرا به ما
منسوب هستند؛ و گرنه از زیانکاران خواهی
گشت.»

احمد بن اسحاق از حج برگشت و وارد قم شد.
بزرگان و اشراف به دیدارش آمدند و حسین بن
حسن هم همراه آنان بود. احمد بن اسحاق با

دیدن او به طرف او شتافت و از او استقبال کرد و
او را در بالای مجلس جایش داد.

حسین بن حسن که بسیار تعجب کرده بود، علت
این برخورد را از احمد بن اسحاق جویا شد. او نیز
سخنان امام حسن عسگری علیه السلام را بازگو
کرد. حسین بن حسن با شنیدن ماجرا از کارهای
زشتش پشیمان شد و توبه کرد، سپس به خانه
اش مراجعت کرد و همه شراب‌ها را به زمین
ریخت، از باتقوایان خداترس شد و پیوسته در
مسجد معتکف می‌شد تا از دنیا رفت و در نزدیکی
قبر مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها به خاک
سپرده شد.^{۱۰}

^{۱۰} بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۲۳، ح ۱۷

۷-توبه یوسف اسلام

سرگذشت مسلمان شدن یوسف اسلام از زبان

خودش-کات استیونس (Cat

[Stevens)ویرایش]

دوران کودکی

از پدری یونانی قبرسی و مادری سوئدی متولد

شدم. ما در بخش غربی لندن زندگی می کردیم و

وضع مادی ما عادی بود. والدینم من را به

مدرسه ای که متعلق به کلیسای کاتولیک بود،

فرستادند. آن ها از لحاظ مذهبی سخت گیر نبودند

اما می خواستند که من اخلاق خوبی داشته باشم و

در آن‌جا یاد گرفتم که عیسی مسیح آخرین پیامبر
خداست که بعد از او دیگر پیامبری نیامده است.

درس خواندن من عادی بود اما به من از همان
کودکی موهبتی عطا شده بود که می‌توانستم
اطرافیانم را شاد کنم. گرچه کودکی خجالتی و
گوشه‌گیر بودم اما می‌رقصیدم و آواز می‌خواندم
در حالی که نه سال از عمر من نگذشته بود. از
همان کودکی دوست داشتم که هنرمند باشم از
این رو با تمام حس و حواسم به نقاشی روی
آوردم.

تربیت مذهبی بر من تأثیر زیادی گذاشت. از
آن‌جایی که پدر من یونانی قبرسی بود و سابقه
دشمنی بین ترک‌ها و یونانی‌ها وجود داشت، من
به شدت از ترک‌ها و دین آن‌ها (اسلام) نفرت

داشتم. در نزدیکی ما خانواده مسلمانی
می زیستند. اگرچه ما با آنها آشکارا دشمنی
نمی کردیم اما تا حد امکان از آنان دوری
می جستیم. پدر و مادرم دارای دو نوع رفتار
متفاوت بودند از این رو هنگامی که من هشت ساله
بودم از هم جدا شدند اما جدا شدن آنان از هم تا
حدی غیر معمولی بود زیرا هر دوی آنها در آن
خانه پیش ما باقی ماندند با این تفاوت که پدرم در
طبقه اول خانه و مادرم در طبقه دوم زندگی
می کردند.

هنگامی که در کلیسا از سه خدا برایم سخن
می گفتند، آن را درک نمی کردم اما مجبور بودم به
احترام پدر و مادرم آن را بپذیرم و نمی توانستم
در این باره بحث و استدلال کنم. من کم کم از این

تربیت مذهبی بیزار شدم و به موسیقی روی
آوردم. همه چیزهایی که در فیلم‌ها و وسایل
ارتباط جمعی می‌دیدم من را به خود جذب
می‌نمود و شاید گمان می‌کردم آرمان پول
در آوردن، معبود و خدایم می‌باشد.

من سومین فرزند خانواده بودم. اگرچه برادر و
خواهر بزرگترم من را پسری لوس (نازدانه) و
نازپرورده می‌دانستند اما من همیشه می‌خواستم
به سختی کار کنم و به خود وابسته باشم. از اینرو
هنگامی که ده سال بیش‌تر نداشتم در یک مغازه
بزرگ به عنوان پیش‌خدمت شروع به کار نمودم و
آنجا بود که یاد گرفتم چگونه به مردم خدمت
کنم. من می‌خواستم یک چهره درخشان شوم.
الگوهای من در آن زمان ستاره‌های موسیقی پاپ

بودند. هنگامی که به سن پانزده سالگی رسیدم،
عاشق موسیقی شدم. پدرم که متوجه شور و شوق
من به موسیقی شده بود بعد از اصرار زیاد من،
برایم یک گیتار خرید. بعد از آن در کمتر از دو
سال چنان در موسیقی پیشرفت نمودم که خودم
می‌توانستم تصنیف کنم و بخوانم و نام جدید کات
استیونس را برای خود برگزیدم.

اولین نوار (کاست) آواز من

در سن هفده سالگی اولین نوار آواز که اسم من
بر روی آن بود به بازار آمد و با استقبال زیادی
روبرو شد و در همه جا انتشار یافت و یکی از
ترانه‌هایم در ردیف ده ترانه برتر آن روز بریتانیا
قرار گرفت. بعد از آن مشهور شدم و
موفقیت‌های زیادی را یکی پس از دیگری

به دست آوردم و هر روز بر شهرت و ثروت من
افزوده می شد و تا آن جا پیش رفت نمودم که در
دهه هفتاد میلادی شهرت من جهان گیر شد و
چندین لوح طلایی به من اعطا شد. هر روز با من
مصاحبه می شد، عکس های زیادی از من در
رسانه های عمومی چاپ می شد و دختران شهر
همواره در تعقیب بودند.

شهرت و پول مرا به وادی فساد و فحشا و الکل و
مواد مخدر کشانید. خانه من یکی از گران ترین
خانه های لندن بود؛ بر بهترین خودرو (موتور)
سوار می شدم و با زیباترین دختران لندن رابطه
نامشروع داشتم. افراط در فساد، الکل و مواد
مخدر مرا به بیماری سل مبتلا و روانه بیمارستان
نمود و در آن زمان نوزده سال بیش تر نداشتم.

در بیمارستان

هنگامی که در بیمارستان بودم خود را در چنگال
مرگ دیدم و این مسئله مرا واداشت که در مورد
حقیقت مرگ و روح به تفکر فروروم. در خود
احساس بیهودگی و پوچی می کردم؛ احساس
کمبود می نمودم اما من که از لحاظ مادی کمبودی
نداشتم پس این احساس چه بود که مانند خوره
داشت مرا می خورد. به شدت از مرگ می ترسیدم.
آیا ثروت و شهرت می توانستند مرا از چنگال
مرگ نجات دهند؟.

این افکار باعث شد که خدا و عظمت او را به یاد
آورم. احساس کردم آنچه که من ندارم خدا و
معنویت است. پس با رجوع به او می توانم از
چنگال این افکار وحشتناک بگریزم. روزی را به

یاد آوردم که در اوج شهرت و جوانی و سلامت به
دریا رفته بودم و برای مدتی خود را به دست امواج
آب سپرده بودم که ناگهان دریا طوفانی شد و من
خود را در چنگال مرگ یافتم. راه نجاتی نبود و
من ناخودآگاه فریاد زدم: خداوندا، اگر من را
نجات دهی به دین حقیقی تو خدمت خواهم کرد.
من نجات یافتم ولی بعد از نجات، قول و پیمانم را
فراموش کردم. اما این بار دیگر نباید خدا را
فراموش می کردم.

رجوع دوباره به کلیسا

با تفکر در مورد خداوند و روح به این نتیجه
رسیدم که این جسم خاکی باید روزی از بین برود
و گریزی از مرگ نیست، اما آنچه که می ماند روح
انسان است که نمی میرد. دوباره به کلیسا روی

آوردم اما سخنان کشیشان و کتاب مقدس مرا
قانع نمی‌کرد و من آن‌ها را با واقعیات دنیای
امروز منطبق نمی‌دیدم.

رجوع به یهودیت و مکاتب دیگر [ویرایش]

به مطالعه در مورد یهودیت پرداختم اما آن نیز
ذهن جستجوگر مرا قانع نکرد. یکی از دوستانم
که به نگرانی من پی برده بود، کتابی را تحت
عنوان راهی به سوی ناشناخته‌ها به من داد که در
مورد روح و مسایل روحی بود و از کتاب‌های یوگا
بود. مدتی نیز به ژرف‌اندیشی، مکاشفه مذهبی،
خام‌خواری، ستاره‌شناسی، فال‌گیری و ذن که از
ویژگی‌های ادیان شرق دور مانند بودایی بودند،
پرداختم.

داشتم دیوانه می‌شدم؛ هیچ‌کدام از این ادیان و مکاتب نیز ذهن پرآشوبم را قانع نکردند. در این دوران دو ترانه به نام‌های «راه شناخت خدا» و «شاید امشب بمیرم» را اجرا نمودم که به موفقیت خیره‌کننده‌ای دست یافت. مدتی بعد به کمونیسم روی آوردم زیرا گمان می‌کردم خوشبختی در این است که تمام ثروت‌ها میان همه به تساوی تقسیم شوند، اما بعدها دانستم که این با فطرت سازگار نیست و از آن نیز دست کشیدم.

بعد از ناامید شدن از ادیان و مکاتب مختلف تصمیم گرفتم که برای خود دین جدیدی بسازم و از شهرت و ثروتی که مرا از یافتن حقیقت منع می‌کرد دوری گزینم. به تدریج در زندگی اجتماعی گوشه‌گیری را اختیار نمودم. در آن زمان

برادرم دیوید که برای زیارت اماکن مقدس به
شهر قدس مسافرت کرده بود و به لندن بازگشت
و ضمن بیان ماجرای سفرش دربارهٔ زیارت
مسجدالاقصی گفت: «جو داخل مسجد با جو سایر
کلیساها و معابد مسیحی و یهودی تفاوت کامل
داشت، و من در آنجا بیش‌تر از هر جای دیگر
احساس امنیت و راحتی می‌کردم و آنجا بود که
از خودم پرسیدم: چرا این دین این‌قدر بر ما
پوشیده مانده‌است؟ یک مسلمان هنگامی که
فهمید من مسیحی هستم از من خواست که مسجد
را ترک کنم اما بیرون کردن او احساس مرا
نسبت به آن مسجد تغییر نداد.»

رجوع به قرآن

از آن جایی که برادر من می دانست که مدتی است
من به مطالعه ادیان پرداخته ام دو نسخه از قرآن
(نسخه اصلی عربی و ترجمه انگلیسی) را به من
هدیه داد تا آن را مطالعه نمایم. اولین چیزی از
قرآن که توجه من را به خود جلب نمود این بود
که بر روی جلد آن نام مؤلفی نوشته نشده بود.
این هدیه گنج گران بهایی بود که بر زندگی من
اثر گذاشت، و به آن طعم و بویی دیگر بخشید.
شروع به مطالعه قرآن نمودم و هر بار که آن را
می خواندم احساس آرامش می نمودم و احساس
می کردم که این کتاب برای من نوشته شده است و
از خواندن آن سیر نمی شدم. در جریان مطالعه
قرآن دریافتم که اسلام همان دینی است که من
به دنبال آن می گزیدم زیرا جواب تمام سوال هایم

را در آن می‌یافتم. تأثیر قرآن بر من بیش از حد
تصور بود و دریافتم که قرآن پیام ابدی برای
خوش‌بختی تمام آدمیان است. پیام آن بسیار
ساده و واضح بود و کلمات آن برایم بسیار عجیب
بود و با تمام کتاب‌های دیگری که قبلاً مطالعه
نموده بودم، تفاوت کامل داشت.

قبل از مطالعه قرآن زندگی دنیایی برای من
معمایی غیرقابل حل بود. هرچند به وجود
آفریننده‌ای برای این جهان ایمان داشتم اما
نمی‌دانستم که این آفریننده‌ای که قادر به دیدن
او نبودم، کیست. کوشش‌های بسیار اما
بی‌نتیجه‌ای انجام دادم و مانند یک کشتی در میان
امواج شناور بودم بدون این که مسیر مشخصی
داشته باشم. هنگامی که شروع به مطالعه قرآن

نمودم، احساس کردم که این کتاب با من سخن می‌گوید. کاملاً در پیام قرآن فرو رفته بودم.

تحقیق در مورد پیامبر اسلام

بعد از مطالعه قرآن به تحقیق در مورد زندگی پیامبر اسلام (صلی الله علیه وسلم) پرداختم. شخصیت بزرگ آن حضرت بر من تأثیر بسیار بزرگی گذاشت.

یک سال و نیم گذشت و من به مطالعه در مورد اسلام مشغول بودم بدون این که با مسلمانی اختلاط نموده و نشست و برخاست نمایم زیرا می‌خواستم که خودم این دین را بشناسم و تحت تأثیر دیگران قرار نگیرم و از این بابت خداوند را شکر گزارم، زیرا اگر با چند مسلمان ارتباط پیدا می‌کردم ممکن بود اختلافات و یا مسایل دیگر

بین آنان بر من آشکار می‌شد و مرا از رسیدن به
راه راست باز می‌داشت.

تصمیم‌گیری سخت

با خود تصمیم گرفتم که یا خود را کاملاً تسلیم
قرآن و اوامر خدا و پیامبرش نمایم و یا به روش
زندگی قبلی خود و اشتغال به آهنگ و موسیقی
بازگردم. آن مرحله سخت‌ترین مرحله زندگی
من بود. به فرمایش پیامبر اسلام ایمان داشتم که
هر نوزادی مسلمان به دنیا می‌آید و این خانواده‌ها
هستند که آن‌ها را به دین‌های دیگر می‌کشانند.
در ابتدا با توجه به درک خود از قرآن فقط در روز
دو بار نماز می‌خواندم زیرا هنوز با سنت پیامبر
(صلی الله علیه وسلم) آشنایی زیادی نداشتم و
زکات اموال را نیز به مستمندان می‌دادم. اما

سرانجام تصمیم خود را گرفتم و زمان آن رسیده بود که دین خود را اعلان نمایم.

اعلان مسلمان شدن و دوری از بدی‌ها

در یکی از جمعه‌های زمستان سال ۱۹۷۷ عازم مسجد تازه تأسیس «ریجنت پارک» در لندن شدم و بعد از ادای نماز با مسلمانان نزد امام مسجد رفتم و به او گفتم که می‌خواهم مسلمان شدن خود را اعلان نمایم و این اولین برخورد من با جامعه مسلمانان بود. پس از مسلمان شدن نامم را به «یوسف اسلام» تغییر دادم زیرا هنگامی که اولین بار سوره یوسف را خواندم، به گریه افتادم. به کلی از نوشیدن مشروبات الکلی روی گردان شدم، سیگار کشیدن را ترک نمودم زیرا از یکی از مسلمانان شنیدم که می‌گفت: دین اسلام هرچیز

مضر و از جمله سیگار کشیدن را حرام
نموده‌است. از نشست و برخاست با زنان به‌طور
کلی دست کشیدم...

سخت‌ترین چیز برای من در آن دوران جدا شدن
از دوستان قدیمی‌ام بود. نمی‌توانستم بفهمم که
چرا آنان پیام روشن اسلام را درک نمی‌کنند.
گاهی اوقات که با دوستان سابقم می‌نشستم و
زمان نماز فرا می‌رسید از آنان معذرت می‌خواستم
و به بهانه انجام کاری آن‌جا را ترک می‌کردم.
نمی‌توانستم به آن‌ها بگویم که برای ادای نماز
می‌روم زیرا این عمل برای آنان عجیب و غریب
بود. اما روزی تصمیم گرفتم که به همگان اعلان
کنم که برای ادای نماز می‌روم و دوستانم با
احترام پذیرفتند که من به ادای نماز پیردازم و

دریافتم که اگر کسی برای خدا به ادای نماز
برخیزد، خداوند آن را برایش آسان می‌سازد.
پس از مسلمان شدنم تصمیم گرفتم که به زیارت
قدس بروم زیرا زیارت برادرم از آن باعث
هدایت من شد اما زیارت من با زیارت برادرم
بسیار تفاوت داشت. راهنمای من در این سفر یک
یهودی آلمانی بود. هنگام زیارت، مسلمانان که از
مسلمان شدن من آگاه شده بودند دُوروبرم را
حاطه کردند. در مسجدالاقصی نماز خواندم و
بسیار گریستم.

ازدواج و تشکیل خانواده

در سال ۱۹۷۸ پدرم وفات نمود. او اسلام را
می‌شناخت و به پیامبری محمد (صلی الله علیه
وسلم) ایمان داشت. اما برادرم اگرچه احساس

می‌کنم قلباً مسلمان است اما هنوز به مطالعه خود
در مورد این دین ادامه می‌دهد و ممکن است
مسلمان شدنش مدتی زمان ببرد. به هر حال این
خداوند است که هر کس را که بخواهد هدایت
می‌کند. از مهم‌ترین کارهایی که انجام دادم
یادگیری زبان عربی، زبان قرآن و پیامبر (صلی
الله علیه وسلم) بود و همچنین در فکر یافتن
همسری مسلمان و نیکوکار بودم.

در سال ۱۹۷۹ نیز به حج عمره رفتم و پس از
بازگشت از عمره و زیارت اماکن مقدس همسر
مناسبم را در لندن یافتم. نام او «فوزیه علی» و از
خانواده‌ای مسلمان با پدری ترک و مادری افغانی
بود. مراسم ازدواج را در مسجد به روش اسلامی
منعقد نمودیم. خداوند عنایت ویژه‌ای به من

داشت و من توانستم زنی نیکوکار را بیابم؛ دیگر
زیبایی برایم مهم نبود زیرا زیبایی زن مهم‌ترین
چیز نیست بلکه ایمان و عمل صالح پایه و اساس
است.

در ماه رمضان آن سال اولین فرزندم به دنیا آمد.
در کنار چنین خانواده دینی احساس خوشبختی
می‌کردم. در حقیقت من در راه خدا فعالیت
می‌کنم و اوست که روزی‌دهنده من است و این
واقعیت طرز تفکر را برای من آسان می‌کند و
امیدوارم که سبب هر چند ناچیز و کوچک در
نشر و توسعه اسلام در بریتانیا باشم و در این راه
از هیچ کوشش فروگذار نیستم.

دعوت و تبلیغ

روزبه روز به قوت و جمعیت مسلمانان افزوده
می شود و این مجال خوبی برای من است. من
عربی را یاد گرفتم تا قرآن را خوب بفهمم و به
تربیت فرزندان در خانواده های اسلامی همت
گماشتم زیرا در غرب تبلیغات زیادی علیه اسلام
وجود دارد و من وظیفه خود می دانستم تا با
مطالعه دقیق در قرآن و سنت به تربیت افراد و
گفتگو و مناقشه با مخالفان همت گمارم. پس از
مسلمان شدنم رسانه های عمومی که قبلاً خیلی از
من یاد می کردند، سکوت اختیار کردند و از
انتشار خبر مسلمان شدنم چشم پوشی نمودند زیرا
اداره بیش تر این رسانه ها در دست یهودیان
است، و در حقیقت بیش تر پست های کلیدی در
غرب در دست آنان است و می توان آنان را در

هر جا یافت و آنان نیز نمی‌خواهند که این نور به
دیگران بتابد.

من معتقدم که نماز سر وقت مهم‌ترین رکن اسلام
است و محافظت بر آن انسان و دینش را از هر
گزندی مصئون می‌دارد و خودم پس از ادای هر
نماز آرامشی غیر معمول را در خود احساس
می‌کنم زیرا کمال خوش‌بختی را در اتصال با خدا
هنگام نماز می‌بینم.

به عنوان انسان به ما ضمیر و خودآگاهی و
وظیفه‌ای عطا شده‌است که ما را در رده بالاترین
مخلوقات قرار داده‌است. انسان خلق شده‌است تا
خلیفه خدا بر روی زمین باشد و این نکته دارای
اهمیت است تا تعهد برای رهایی از تمام ظواهر
فریبنده را درک نماییم و زندگی این دنیا را برای

حیات آخرت آماده‌سازی نماییم. هر کس که این فرصت را از دست دهد، بعید است تا فرصت دیگری به او داده شود تا دوباره به این جهان باز گردد زیرا قرآن می‌فرماید: وقتی در جهان دیگر به اعمال انسان رسیدگی می‌شود وی خواهد گفت: «خدایا، ما را دوباره به این دنیا بفرست و به ما فرصت دیگری بده.» خداوند خواهد فرمود: «اگر ما تو را دوباره بفرستیم تو دوباره همان اعمال را در روی زمین انجام خواهی داد.»

من در دنیای مدرن و پرزرق و برق حرفه هنری بزرگ شدم. در خانواده‌ای مسیحی به دنیا آمدم، اما می‌دانیم که هر بچه‌ای با طبیعت اصلی و اخلاقی خودش به دنیا می‌آید. این والدین هستند که او را به این آیین و یا آن دین سوق می‌دهند.

به من دین مسیحیت عرضه شد و در این مسیر
آموزش یافتیم. به من یاد داده شد که خداوند
وجود دارد، اما هیچ ارتباط مستقیمی با خداوند
وجود ندارد، بنابراین ما برای برقراری ارتباط
مجبور به ارتباط از طریق حضرت مسیح (علیه
السلام) بودیم. در واقع وی وسیله‌ای برای
دست‌رسی به خداوند بود. این موضوع کم و بیش
برای من قابل قبول بود اما من آن را کاملاً درک
نمی‌کردم.

پس از مطالعه دقیق در مورد اسلام به این نتیجه
رسیده‌ام که بیش‌تر مسلمانان امروزی به بیراهه
رفته‌اند زیرا از قرآن دور شده و یا در آن تدبیر
نمی‌کنند. قرآن کریم روح علم و دانش و بلکه
پایه و اساس آن است و هدایت حقیقی را برای

آن کس که آمادگی و استعداد فهم آن را داشته
باشد، در پی دارد. اسلام یعنی تسلیم شدن مطلق
در مقابل خداوند و اطاعت از پیامبر او که ضامن
خوشبختی ابدی انسان می باشد. بر ما واجب است
که با بالا بردن سطح دانش و آگاهی خود و همراه
شدن با آن کسانی که از راه راست پیروی
می کنند، حق و باطل را از هم تشخیص دهیم.
برماست که بر صحت و درستی اعمال خود تأکید
داشته باشیم و سپس مردم را به راه خداوند
دعوت کنیم و این سخن پیامبر (صلی الله علیه
وسلم) را فراموش نکنیم که می فرماید: «بشروا ولا
تنفروا ویسروا ولا تعسروا» یعنی: «مژده دهنده
باشید و مردم را از خود متنفر ننمایید، آسان گیر
باشید و سخت گیری نکنید.»

دعوت ما باید ساده و واضح باشد و آن هم دعوت
به توحید خالص است ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ و نباید
کوشش نماییم که تمام اسلام را یک باره تبلیغ
نماییم بلکه آن چنان که پیامبر به معاذ آموزش داد
از توحید شروع نماییم و سپس به ترتیب به بیان
ادای نماز و زکات و سایر موارد دیگر پردازیم.
بر ماست که رهرو راه رسول الله (صلی الله علیه
وسلم) باشیم و او را الگوی خود در زندگی قرار
دهیم و همان گونه که حضرت عایشه فرمودند:
«خلق و خوی پیامبر قرآن بود»، ما نیز باید به
آداب قرآن خود را بیاراییم و به قرائت قرآن با
زبان و بدون تدبر اکتفا ننماییم. قرآن
مجسم کننده تعالیمی از طرف پروردگار است که
برای کامل نمودن اخلاق انسان نازل شده است.

بر ماست که بسیار عمل کنیم و کمتر سخن
بگوییم و به یاد داشته باشیم که این تنها خداوند
است که هر کس را بخواهد به اسلام هدایت
می‌کند. تبلیغات علیه اسلام در غرب زیاد است
ولی مردم زیاد فریب این تبلیغات را نمی‌خورند و
تنها زمانی این تبلیغات در آن‌ها اثر دارد که رفتار
ناشایست عده‌ای از مسلمانان را بینند و در این
صورت ممکن است که آن تبلیغات را باور کنند.
همواره از خود می‌پرسیدم که چرا مردم این نور
روشن و تابناک را درک نمی‌کنند و در قرآن
تدبر نمی‌نمایند؟! زیرا به نظر من تنها سوره
العصر می‌تواند راه نجات از آتش جهنم باشد و در
این مورد بسیار اندوه می‌خوردم، اما فرموده
پیامبر (صلی الله علیه وسلم) را در مورد

آخرالزمان به یاد می‌آوردم که در آن صابر بر
دین مانند کسی است که گدازه‌ای از آتش در
دست دارد و این که اسلام با غربت آغاز شده و در
آخر نیز غریب خواهد شد.

با این که یوسف اسلام به دلیل گرویدن به اسلام با
خواندن آواز وداع کرده اخیراً سه آلبوم انتشار
داده است. تازه‌ترین آن در ماه اکتوبر با عنوان
«بگو، آیا من رفته ام» انتشار یافت.

۸-توبه جوان عاشق

در روایت است که مردی به زنی شوهر دار نظر
داشت زن ،شوهرش را از این مسأله با خبر کرد
شوهرش گفت به آن آقا بگو که چهل صبح در
نماز جماعت حاضر شود آن مرد پذیرفت و چند

روز مرتب به نماز آمد بعد از مدتی عاشق به
خانم پیغام داد که من توبه کردم

توبه در میدان جنگ

نصر بن مزاحم در کتاب وقعه صفین نقل می کند:
هاشم مرقال می گوید: با تعدادی از قاریان قرآن
در جنگ صفین برای یاری امیرالمومنین علیه
السلام شرکت داشتم. جوانی از طایفه غسان از
لشکر گاه معاویه به میدان آمد، رجز خواند، به
علی علیه السلام ناسزا گفت و مبارز طلبید. به
شدت ناراحت شدم، از اینکه فرهنگ خطرناک
معاویه، اینچنین مردم را گمراه کرده بود دلم
سوخت، به میدان تاختم و به آن جوان غافل گفتم:

ای جوان! هرسخنی که از دهان در آید، در پیشگاه
خداوند حساب دارد، اگر حضرت حق از تو پیرسد:
چرا به جنگ علی بن ابیطالب رفتی، چه پاسخ می
دهی؟ جوان گفت: مرا در پیشگاه خدا حجت
شرعی هست، زیرا جنگ من با شما به خاطر بی
نمازی علی بن ابیطالب است!

هاشم مرقال می گوید: حقیقت را برای او بیان
کردم، نیرنگ و خدعه معاویه را برای او ثابت
نمودم، چون به حقیقت واقف شد، از خداوند
مهربان عذرخواهی کرد، و به عرصه گاه توبه وارد
شد و به دفاع از حق با ارتش معاویه به جنگ
برخاست.

توبه جوان یهودی

امام باقر علیه السلام می فرمایند: جوانی بود
یهودی که بسیاری از اوقات خدمت رسول خدا
(ص) می رسید، رسول الهی رفت و آمد زیادش را
مشکل نمی گرفت و چه بسا او را دنبال کاری می
فرستاد یا به وسیله او نامه ای را به جانب قوم
یهود می فرستاد.

چند روزی از جوان خبری نشد، پیامبر عزیز
سراغ او را گرفت، مردی به حضرت عرضه
داشت: امروز او را دیدم درحالی که از شدت
بیماری باید روز آخر عمرش باشد.

پیامبر با عده ای از یارانش به عیادت جوان آمد،
از برکات وجود نازنین پیامبر این بود که با کسی
سخن نمی گفت مگر اینکه جواب حضرت را می

داد، پیامبر جوان را صدازد، جوان دو دیده اش را
گشود و گفت: لیبیک یا ابالقاسم، فرمودند بگو:
اشهدان لا اله الا الله وانی رسول الله، جوان نظری به
چهره عبوس پدرش انداخت و چیزی نگفت،
پیامبر دوباره او را دعوت به شهادتین کرد، باز هم
به چهره پدرش نگریست و سکوت کرد، رسول
خدا برای مرتبه سوم او را دعوت به توبه از
یهودیت و قبول شهادتین کرد، جوان باز هم به
چهره پدرش نظر انداخت، پیامبر فرمودند: اگر
میل داری بگو واگر علاقه نداری سکوت کن.
جوان با کمال میل وبدون ملاحظه کردن وضع پدر،
شهادتین گفت واز دنیا رفت! پیامبر به پدر آن
جوان فرمودند: او را به ما واگذار. سپس به
اصحاب دستور داد او را غسل دهید و کفن کنید و

به نزد من آورید تا بر او نماز بخوانم، آنگاه از خانه یهودی خارج شد در حالی که می گفت: خدا را سپاس می گویم که امروز انسانی را به وسیله من از آتش جهنم نجات داد !

توبه مردی بادیه نشین، از کفر و بت پرستی

امام صادق علیه السلام می فرمایند: رسول خدا (ص) به سوی بعضی از جنگهایش در حرکت بود، به یارانش فرمودند: از بعضی از راههای میان دو گردنه، مردی بر شما ظاهر می گردد که سه روز است پیمانی از ابلیس برعهده ندارد، چیزی درنگ نکردند که مردی بیابانی به جانب آنان آمد، پوستش بر استخوانش خشکیده بود، دو چشمش در حلقه پنهان می نمود، دو لبش از خوردن گیاه

بیابان به سبزی می زد. در ابتدای برخوردش با
سپاه، سراغ رسول خدا (ص) را گرفت، رسول حق
را به او معرفی کردند، به پیامبر عرضه داشت:
اسلام را به من ارائه کن، فرمودند: بگو اشهدان لا
اله الا الله وانی محمد رسول الله .

گفت: به این دو حقیقت اقرار کردم، حضرت
فرمودند: نمازهای پنجگانه را بخوان، روزه ماه
رمضان بگیر، گفت: پذیرفتم، فرمودند: حج بجای
آور، زکات پرداز و از جنابت غسل کن. گفت:
پذیرفتم. سپس شتر مرد بیابانی عقب ماند، رسول
خدا پس از اندکی حرکت ایستادند و دربارۀ مرد
بیابانی از اصحابش پرسیدند، مردم به عقب
برگشتند و به جستجوی وضع او برآمدند، در آخر
لشکرگاه دیدند پای شتر او به گودالی از

گودالهای لانه موش صحرایی افتاده و گردن مرد
بیابانی و شتر شکسته و هردو از بین رفته اند. به
رسول خدا خبر دادند، دستور داد خیمه ای برپا
کنند و او را غسل دهند، پس از اینکه غسل داده
شد، پیامبر وارد خیمه شدند و او را کفن کردند،
آنگاه از خیمه خارج شدند در حالی که از پیشانی
مبارکشان عرق سرازیر بود، به یارانش فرمودند:
این مرد بیابانی در حال گرسنگی از دنیا رفت، او
کسی است که ایمان آورد و ایمانش به ظلم و گناه
آلوده نشد، حورالعین با میوه های بهشتی به جانب
او شتافتند و دهانش را از آن میوه ها پر کردند،
حورالعینی می گفت: یا رسول الله مرا از همسران
او قرارده و آن دیگر می گفت مرا قرار ده !

توبه شقیق بلخی

شقیق فرزند یکی از ثروتمندان منطقه بلخ بود.
زمانی برای تجارت به بلاد روم رفت، شهرهای
روم را در برنامه سیاحت و گشت و گذار گذاشت.
در یکی از شهرها برای تماشای مراسم بت
پرستان وارد بتخانه ای شد، خادم بتخانه را دید
موی سروصورت را تراشیده، لباس ارغوانی به تن
کرده و مشغول خدمت است، به او گفت: تورا
خدای حیّ و آگاهی است، به عبادت او برخیز و این
بت های بیجان را واگذار که نفع وزیانی ندارند.
خادم به شقیق گفت: اگر انسان را خدای حیّ
و عالم وقادر و آگاهی است، قدرت دارد تو را
در شهر و دیار خودت روزی دهد، چرا تصمیم
گرفته ای همه عمر خود را برای به دست آوردن

پول خرج کنی و اوقات گرانبها را در این شهر و آن
شهر نابودسازی؟

شقیق از نهیب خادم بتخانه بیدار شد و دست از
فرهنگ مادیگری و دنیاپرستی شست، به عرصه
گاه توبه و انابه درآمد، و از عرفای بزرگ
روزگار شد.

شقیق بلخی می گوید: از هفتصد دانشمند پنج
مسأله پرسیدم همه به طور مساوی پاسخ گفتند.
پرسیدم: عاقل کیست؟ جواب دادند: کسی که
عاشق دنیا نیست، گفتم: زیرک کیست؟ گفتند:
کسی که مغرور به دنیا نشود، پرسیدم: ثروتمند
کیست؟ گفتند: کسی که به داده حق رضایت دهد،
سوال کردم: تهیدست کیست؟ گفتند: آن کسی
که زیاده طلب است، پرسیدم: بخیل کیست؟

گفتند: کسی که حق خدا را در مالش از محتاجان
منع می نماید

داستان حسن لاته!

یادش بخیر آن روزهایی که در جبهه بودیم ، همه
اش بیاد خدا بودیم ، قرآن می خواندیم ، نماز
شب می خواندیم مناجات می کردیم یک حال
عجیبی داشتیم ، به خدا نزدیک بودیم ، بدنبال
گناه و معصیت نبودیم ، جمع خوبی داشتیم دور
هم جمع می شدیم زیارت عاشورا و دعای کمیل و
دعای ندبه و دعای توسل و... می خواندیم واقعا
یادش بخیر یک رفیقی داشتیم که خیلی آدم
خوبی بود با خدا بود حال عجیبی داشت همه اش
در حال ذکر بود توی خودش بود اسمش حسن

لاته بود.

یک روز آمد تو سنگرم گفت : حاج آقا یک وصیت نامه دارم دوست دارم شما هم یک توجهی روی آن کنید اگر می شود همین الان تشریف بیاورید توی سنگرم ، گفتم چشم برویم ، آمدم تو سنگرش گفت : حاج آقا این وصیت نامه من است ولی یک سری بین من و خدا می باشد و شما قول بده تا وقتی که زنده هستم به کسی بازگو نکنی ، قول دادم ، گفت حاج آقا من قبل از انقلاب آدم خیلی بدی بودم و از آن لاتهای قهار سرمحله ها و همه را می زدم و گاهی اوقات شدت شقاوتم زیاد می شد که بی باکانه داخل حمام های عمومی زنان می شدم و مشغول گناه و معصیت می شدم ، خیلی کارهای دیگر ...

تا اینکه انقلاب شد و همه بساط گناه و عرق خواری و مشروب خواری و... جمع شد بعد هم

جنگ شد یک روز داشتم از کنار مسجدی رد می
شدم دیدم جوانهای که هنوز صورشان گرد
مونزده بود توی صف ایستاده اند، گفتم : آقا برای
چه ایستاده اید آیا صف مرغ یا گوشت و روغن
و ... چیزهای دیگر است گفت : نه این صف دیدار
با خداست ، صف عاشقان الی الله است ، این
حرف چنان در من اثر گذاشت که از خود بی خود
شدم ، بخود گفتم : ای وای بر تو ای حسن همه به
دیدار خدا می روند و تو هنوز از غافله عقبی همه
عاشق می شوند و تو هنوز خوابی تاکی می خواهی
در گندآب دنیا غرق باشی ... خلاصه من هم
عاشق شدم تا خدا را ببینم و حال آمدم و از
کردهای خود پشیمانم توبه کرده ام ، ناراحتم الا
ن فهمیده ام هر کسی که می خواهد میهمانی حق
رود باید بالباسهای نو و لطیف برود ولی من باباری
از گناه و معصیت هستم لباسهایم آلوده به کثافات

دنیوی است ، حاج آقا روی بدنم را ببین .
یکوقت دیدم پیراهن خود را بالازد، دیدم روی
بدنش عکس زنی را لخت باعورت خالکوبی کرده
اند خیلی ناراحت شدم ، گفت حاج آقا کجایش را
دیدی ، پیراهن پشت سرش را بالازد عکس
مردی را لخت باعورت روی کمرش خال کوبی
کرده اند من خیلی عصبانی شدم گفت حاج آقا
کجایش را دیدی ، دیدم روی تمام دست و پایش
عورتهای مرد و زن را خال کوبی کرده اند من با
عصبانیت او را ترک کردم یکوقت صدا زد حاج
آقا راضی نیستم سرِّ مرا به کسی بازگو کنی ، من
توجهی نکردم و به سنگر فرماندهی رفتم فرمانده
را ندیدم آمدم سنگر خودم رفقا دورم جمع شدند
و هر کدام از دری سخن گفتند یادم رفت که به
حسن لاته سر بزنم .
سه و چهار ساعت از این ماجرا گذشت دوستان

یکی یکی متفرق شدند من هم از سنگر خارج
شدم که سری به حسن لاتِه بزنم یکی از دوستان
صدازد حاج آقا، حاج آقا!
گفتم : بله ،

گفت : الا ن حسن لاتِه شهید شد .
گفت : یک ساعت پیش سوار ماشین شد که برود
جلوی دپو که یک وقت خمپاره ای از طرف
عراقیهای صدامی توی ماشین می افتد و حسن لاتِه
شهید می شود، دیدم یک کیسه پلاستیک دستش
بود نشان داد گفت این هم بدنش است من خیلی
جا خوردم ، گفتم : حسن شهادت گوارایت باشد،
خدا چه کسانی را می برد کسی که توبه کند مثل
کسی است که تازه از مادر به دنیا آمده باشد، این
با آن همه گناه توبه کرد و شهید شد گریه کنان
بطرف سنگرش آمدم وصیت نامه اش را برداشتم
آوردم دیدم چه عالی نوشته که سه جمله توجه

مرا بیشتر جلب کرد:

یکی : اینکه نوشته بود، مادر نارحت نشوی حسن
لاته توبه کرد و آخر عاقبت بخیر شد.

دوم : این که در مناجاتش با خدا میگفت : خدایا
بناست بمیریم و امّا ای خدا دوست دارم در راه تو
شهید شوم و تو را ملاقات کنم می دانم گناه زیاد
کردم نافرمانی تو را بسیار نمودم اما بیا و دل این
بنده گنه کار خودت را نشکن چون به امید دیدار
تو آمدم مرا ناامید نکن ای کسی که غفّار گناهانی
بخشنده ذنوبی.

سومّ اینکه : خدایا حال که بناهست بمیرم ، بدنم
را روی سنگ غسلخانه بگذارند این عکسهای
مبتذل روی بدنم هست بیا و آبرویم را بخر تا
مردم بدنم را لخت با این عکسها روی سنگ
غسلخانه نبینند یک نگاهی به بدن سوخته و از
هم متلاشیش کردم دیدم خدا آبروی حسن لاته

را خریده و توبه او را قبول کرده و دعایش را
مستجاب نموده و آخر عاقبتش را ختم به خیر
نموده. { قصص التوایین یا داستان توبه کنندگان }

از چه گناہانی توبہ کنیم؟

۱- حق الله

حق الله: اوامر تکلیفی عبادی که صرفاً برای تقرب به خداوند امتثال می شود و آثار حقوقی برای دیگران ندارد و نیز حقوق ناشی از تکالیف اجتماعی که تشریع آن ها مبتنی بر نفع عموم مردم است (مانند اقامه حدود)، از مصادیق حق الله است. شراب خواری. قماربازی. چشم چرانی. گوش دادن به موسیقی حرام و...

۲- حق الناس

حقوقی که برای حفظ مصالح خاص دنیوی اشخاص و برای تثبیت حقی برای آنان وضع شده، حق الناس است. مثل غیبت و تهمت و فحش و ناسزا و سیلی زدن و غصب مال و دزدی و ازبین بردن اموال مردم و...

توبه از حق الله اسان است با یک استغفار توبه
حاصل میشود.

ولی توبه از حق الناس مشروط به این است که
طرف انسان رضایت بدهد و حلال کند.

قسمتی از دعای روز دوشنبه

کسانی که حق الناس به گردن دارد دعای روز
دوشنبه را بخواند. قسمتی از دعای روز دوشنبه :

وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ يَوْمٍ أَوَّلُهُ فَرْعٌ، وَأَوْسَطُهُ جَزَعٌ،
وَأَآخِرُهُ وَجَعٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ نَذْرٍ
نَذَرْتُهُ، وَكُلِّ وَعْدٍ وَعَدْتُهُ، وَكُلِّ عَهْدٍ عَاهَدْتُهُ ثُمَّ لَمْ
أُفِ بِهِ،

خدایا! به تو پناه می آورم از روزی که آغازش
شیون و میانش بی تابی و پایانش دردمندی است،

خدایا! از تو آمرزش می‌خواهم برای هر نذری که
کردم و هر وعده‌ای که دادم و هر پیمانی که بستم
سپس به آن وفا نکردم

وَأَسْأَلُكَ فِي مَظَالِمِ عِبَادِكَ عِنْدِي، فَأَيُّمَا عَبْدٍ مِنْ
عَبِيدِكَ أَوْ أَمَةٍ مِنْ إِمَائِكَ، كَانَتْ لَهُ قِبَلِي مَظْلَمَةٌ
ظَلَمْتُهَا إِيَّاهُ، فِي نَفْسِهِ، أَوْ فِي عَرَضِهِ، أَوْ فِي مَالِهِ، أَوْ
فِي أَهْلِهِ وَوَلَدِهِ، أَوْ غِيْبَةٍ اغْتَبْتُهُ بِهَا، أَوْ تَحَامَلْتُ عَلَيْهِ
بِمِيلٍ أَوْ هَوًى، أَوْ أَنْفَةٍ أَوْ حَمِيَّةٍ أَوْ رِيَاءٍ أَوْ عَصِيَّةٍ،
غَائِبًا كَانَ أَوْ شَاهِدًا، وَحَيًّا كَانَ أَوْ مَيِّتًا، فَقَصُرَتْ
يَدِي، وَضَاقَ وَسْعِي عَنْ رَدِّهَا إِلَيْهِ وَالتَّحَلُّلِ مِنْهُ؛
فَأَسْأَلُكَ يَا مَنْ يَمْلِكُ الْحَاجَاتِ، وَهِيَ مُسْتَجِيبَةٌ
لِمَشِيئَتِهِ، وَمُسْرِعَةٌ إِلَىٰ إِرَادَتِهِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُرْضِيَهُ عَنِّي بِمَا شِئْتَ،
وَتَهَبَ لِي مِنْ عِنْدِكَ رَحْمَةً، إِنَّهُ لَا تَنْقُصُكَ الْمَغْفِرَةُ،

وَلَا تَضُرُّكَ الْمَوْهَبَةُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، و پرداخت
حقوق بندگان را که بر عهده دارم از تو
درخواست می‌کنم، پس هر بنده‌ای از بندگان و
هر کنیزی از کنیزانت که او را نزد من حقی
پایمال شده باشد که در آن به جان یا آبرو یا مال
یا خانواده‌اش یا فرزندش ستم روا داشته‌ام یا
غیبتی از او کرده‌ام یا بر اثر میل خود یا خواهش
دل یا تکبر یا خشم یا خودنمایی یا تعصب بر او
باری نهاده‌ام، این بنده یا کنیزت غایب باشد یا
حاضر، زنده باشد یا مرده و دستم کوتاه شده و
توانائی‌ام محدود از پرداخت آن حق یا طلب
حلالیت از اوست؛ از تو می‌خواهم ای کسی که رفع
نیازها در اختیار اوست و حاجات در برابر مشیت
او اجابت‌پذیر و به سوی اراده‌اش شتابانند، که بر
محمد و خاندان محمد درود فرستی و آن بنده را

که بر او ستمی کردم هر گونه که خواهی از من
راضی گردانی و از سوی خود مرا رحمت عطا کنی،
چه آمرزیدن از تو نکاهد و بخشیدن به تو زیان
نرساند،

برو به مادرت نیکی کن

شخصی خدمت رسول خدا آمد و گفت: ای
رسول خدا، من هیچ کار زشتی ننموده که انجام
نداده باشم، آیا می توانم توبه کنم؟ رسول خدا
فرمود: آیا هیچ يك از پدر و مادرت زنده هستند؟
گفت: بله، پدرم. رسول خدا فرمود: برو به او
نیکی کن (تا آمرزیده شوی). وقتی او راه افتاد،
پیامبر فرمود: کاش مادرش زنده بود. (یعنی اگر او
زنده بود و به او نیکی می کرد، زودتر آمرزیده می
شد.)

جاء رجل الي النَّبي فقال: يا رسول الله ما مِن عملٍ قبيحٍ الاَّ

. ... قد عَمِلْتُهُ فهل لي توبة؟ فقال له

بحار الانوار، جلد ٧٤، صفحه ٨٢

کنترل زبان!

خیلی باید مواظب زبانمان باشیم مبادا حرفی بزنیم
که باعث ناراحتی مومنی بشود.

شخصی از یکی از مراجع تقلید غیبت کرده بود.
بعد نامه ای به آن مرجع نوشت و گفت مرا حلال
کنید. ایشان هم در جواب نوشتند یک زیارت
عاشورا از طرف ایشان بخوانند و حلال کردند.

شخصی می گفت عالم شهر ما ادامس می جود! بعد
از چند روز گفت اشتباه کردم ایشان دندان
مصنوعی خود را حرکت می داده خیال کردم
ادامس می جود!

چقدر افراد پشت سر روحانیت و علماء و غیر
علما و مردها و زنهای مومن و مومنه غیبت می

کنند در حالی که در روایت است گناه غیبت از زنا
شدیدتر است.

موارد حق الناس

۱- مالی را پیدا کرده ولی به صاحبش نرساند.

۲- غصب اموال دیگران

۳- دزدی در انواع مختلف

۴- قرض کند و ندهد

۵- مهریه زن را ندهد.

۶- امانت را برنگرداند

۷- کلاهبرداری نماید

۸- زمین دیگران را تصرف کند

۹- گرانفروشی و احتکار

۱۰- در شرکتی کار می کرده و از اموال آن بر می داشته

۱۱- از کارش می دزدیده

۱۲- پولی که بنا بود در مسجد خرج کند برای خود برداشته

۱۳- خمس و وجوهات دیگر را به جای اینکه به دفاتر مراجع بدهد برای خود برداشته

۱۴- زکات مصرف می کند ولی مستحق نیست

۱۵- وامی که مستحق بوده گرفته

۱۶- امتیازی که مالديگران بوده با زرنگی برای
خود برداشته

۱۷- کم فروشی و تقلب نموده

۱۸- می توانسه از بیت المال با پول کمتری
برنامه ای را انجام دهد زیاده روی
کرده {سمینارهای پرهزینه}

۱۹- وسیله بیت المال را بدون اجازه استفاده
شخصی نموده

۲۰- از میوهای باغات بی اجازه استفاده کرده

۲۱- وسایل ديگران را از بین برده و اطلاع نداده

۲۲- در پیاده رو سد معبر نموده

۲۳- از تلفن و گاز و امثال آن مربوط به مردم بی

اجازه استفاده کرده

۲۴- رباخواری

۲۵- دیه ای که به گردنش آمده و نپرداخته

۲۶- سیلی که به صورت مسلمانی به ناحق زده

۲۷- آبروی کسی را برده

۲۸- آبروی خانواده کسی را برده

۲۹- شهادت دروغ داده

۳۰- قضاوت بناحق کرده

و...

جوان آلوده ای که توبه کرد و پاک شد

سلام دوستان خوبم. داداش رضا هستم و میخوام
خودمو کامل براتون معرفی کنم تا بیشتر با هم
اشنا بشیم. من رضا هستم و ۲۵ سالمه و متولد
۱۳۷۱ هستم. (اردیبهشتی ام) من تو یه خانواده
ای به دنیا اومدم که وضع مالیمون بد نبود. اما
متاسفانه به شدت از همون بچگی تنها بودم و زیاد
بهم توجه نمیشد. همین تنهایی باعث شد من از
همون کودکی با خلا عاطفی بزرگ بشم...
همیشگی دوستم نداشت و متاسفانه به همین دلیل
تو دوران نوجوونیم همه کار میکردم که دیده
بشم و کلی هم دوستای منفی و هفت خط داشتم.
وقتی ۱۶ سالم شد به سمت دوستی با جنس
مخالف کشیده شدم و تو کلاس همیشه سرم با
گوشی گرم بود...

بعدها عادت داشتم بعد مدرسه برم دنبال دوست
دخترم و کلا مسیر زندگیم از ۱۶ سالگی رسماً کج
شد...

من روند کج رفتنم آهسته آهسته بود و یهوایی
نبود ولی دیگه از ۱۶ سالگی افتاده بودم تو
غلطک...

از فیلم پورن و خودارضایی و شماره دادن بگیر تا
شب نشینی و ... اوج این کارهام ۲۰ سالگی بود.
وقتی ۲۰ سالم شد همش لب دریا بودم و کلی هم
دختر دورم بود که مدام بیرون میرفتیم و همه چی
برام عادی بود. کلاً غرق شده بودم... عظم کار
نمیکرد اصلاً! ...

چرا توبه کردم؟؟

تا اینکه یه بلا سرم اومد و نتیجه تموم کارهای
بدمو دیدم. تموم گناه هام و تموم اشتباهاتم
عقوبتش تو همین دنیا برام پدیدار شد و شبو

روزم شده بود گریه و کما...به پوچی کامل رسیده
بودم.

شبا تا صبح استرس داشتم و میرفتم تو سجده و
میگفتم خدایا نجاتم بده . غلط کردم اشتباه کردم
خدایا جانم در خطر...کمکم کن.

اصلا پیشینه مذهبی نداشتم اما چون محرم بود
میرفتم هیئت و کلی گریه میکرد.ولی واقعا
نمیدونستم امام حسین کیه ...

ولی من واسه خاطر دل خودم میرفتم هیئت و کلی
گریه میکردم.

واقعا از خدا میخواستم کمکم کنه ... به هیچکس
غیر خدا امید نداشتم ... واقعا نمیدونستم چرا به
خدا حرفامو میگفتم اصلا چرا من خدا رو صدا
میزنم! من که این همه گناهکار بودم! ولی چاره
ای نداشتم...جز خدا کسی نمیتونست کمکم
کنه.عین کسی بودم که داره تو دریا غرق میشه و

با اینکه بی دینه اما هی یه حس پنهانی رو صدا
میزنه و میگه کمکم کن...

به خدا گفتم : خدایا چرا جوابمو نمیدی ؟
بعد یه حسی بهم گفت:

هی رضا ؟

**تو برای خدا چکار کردی که حالا خدا برات کاری
کنه ؟**

منطقی بود...

بخاطر همین تصمیم گرفتم رضایت خدا رو جلب
کنم...

تصمیم گرفتم پوست بندازم و خودمو از صفر
تغییر بدم. نمازمو شروع کردم. این تصمیم رو
تاریخ ۱۳۹۳/۵/۱۹ گرفتم و از اون تاریخ به بعد
بود که از دیدن ماه و خورشید و ستاره گریم
میگرفت و میگفتم : اینارو کی درست کرده ؟
انگاری از خواب بیدار شده بودم و تازه میدیدم یه

سری از چیزارو...

تصمیم گرفتم قران رو جدی بخونم

نکته

اون روزا یه حسی همش بهم میگفت: رضا؟ تو به
زودی پاک میشی و خیلی هارو به پاکی دعوت
میکنی...

اون روزا به شدت احساس گناه داشتم... به خودم
سیلی میزدم و سرمو میزدم به دیوار و خودزنی
میکردم. همش میگفتم رضا تو گند زدی... رضای
اشغال عوضی تو نباید این کارو میکردی و باز
شروع میکردم به زدن خودم. یه بار انقدر خودمو
مشت زدم که بعدش از هوش رفتم.

تهوعی باید تحولی شاید

انگاری تازه عقلم کار میکرد... همش کارای
اشتباهم برام مرور میشد و بهم استرس میداد.

رفتم دفتر خریدم و خاطرات هر روز خودمو
مینوشتم...کارم شده بود گریه کردن و شب تا
صبح استرس داشتن.

اما ته دلم یه صدایی مدام بهم میگفت:
رضا یه روز تموم میشه...ادامه بده..کم نیار...گریه
کن اما گام بردار
این صدا همیشه باهام بود...یه صدایی که خیلی
ضعیف بود اما من نجواهاشو میشنیدم...
دیگه تصمیم جدی شد!

انگاری دوباره متولد شدم! شدم یه رضای متفاوت
و جنگجو!

کلی در خودم خلا به وجود آوردم...زدم به سیم
آخر!

دوستامو گذاشتم کنار و با تموم دوست دخترهام
کات کردم و سیم کارت هامو شکوندم...فیلم
پورن ترک کردم و قول دادم دیگه با ماشین نرم

بیرون. نماز اول وقتمو شروع کردم و تلاشمو
میکردم که خودارضایی و فیلم پورن ترک کنم.

هدف ریزی میکردم و به خودم پاداش
میدادم. چون تو شک عصبی بودم برای خدا نامه
مینوشتم و میذاشتم رودخونه...

من بابام جانباز اعصاب و روانه و دو سال عراق
اسیر بوده.

از همون بچگی تا همین الان مدام داد میزنه و
اعصاب درست سرمون نداره... تو اون روزا بابام
خیلی با کاراش بهم استرس میداد ولی من کم
نمیآوردم.

بابام خیلی بی اعصابه. از بچگی منو با کمر بند میزد
و یه بار هم سمتم آجر پرت کرد و اگه جا خالی
نمیدادم میخورد به سرم و درجا کشته میشدم.
بیشتر بخاطر اعتیادشه که اینجوریه. اصلا هم

منطق و استدلال نداره. اون موقع ها همیشه با
استدلال های سطحی باعث آزارم میشد.

ماجرای کامل چهل روز توبه من

همیشه میگفتم خدایا تو کمکم کن به خدا یه
روزی تمومشو جبران میکنم. حاجت هامو از خدا
میخواستم از ته عمق وجودم میخواستم تغییر کنم
و از خدا هدایت میخواستم.
میگفتم خدایا من بخاطر کمبود محبت تو لجن
رفتم.

خدایا غلط کردم خدا|||||||

خدایا کمکم کن و دستمو بگیر میخوام هدایتم
کنی...

چون واقعا پشیمون بودم و خدا از اسرار دل بنده
هاش آگاه استارت هدایتم زده شد و از تاریخ ۱
مهر سال ۹۳ تا همین الان رگباری و پی در پی

داره هدایت می‌کنه و من قشنگ دارم خدارو تو
زندگی حسش میکنم. دلیل اصلی هدایت شدن
منم این بود:

واقعا میخواستم تغییر کنم و حرفم کشکی نبود.

میرفتم کلی کتاب میخوندم و مطالعه میکردم و
زندگی نامه تموم آدمای موفق رو میخوندم تا الگو
بگیرم و خدا هم همیشه کمک میکرد و همیشه
آدم هایی وارد زندگیم میشدن که انگاری رسالت
زندگیشون این بود که دست منو بگیرن!
تموم تلاشمو کردم که حق الناس هامو جبران کنم
و تموم فیلم های پورن رو از تو سیستم و گوشی
پاک کردم و هر چی عکس و خاطره از کسی
نداشتم.

در طول این مسیر خیلی شکست میخوردم اما پا
میشدم و ادامه میدادم.
میدونی چرا؟

چون من از اون رضای سابق حالم منو بهم میزد!
حاضر بودم بمیرم اما دیگه مثل اون رضا نباشم.
بالای ۱۰۰۰ بار شکست خوردم... بالای ۵۰۰ بار
گریه کردم... ۱۰۰ بار کم آوردم و ۱۰ بار با خدا
بحتم شد ولی کم کم همه چی برام تغییر کرد...
این چیزی که الان میخوام بگم مربوط به تابستون
سال ۹۴ میشه.

یه اتفاقات عجیب در من افتاد...

همه متوجه یه تغییر بزرگ در من شدن و اون
نفوذ کلامم بود. اصلا حرف که میزدم همه میگفتن
حرفام خیلی پخته شده . تیمم فشن بود و هنوزم
تو خیابون تو چشم بودم اما کلامم نفوذ داشت.
حرف که میزدم همه میگفتن : تو چرا اینجوری
حرف میزنی؟ خیلی عجیب شده رفتارت... چقدر
حرفات عمیقه ! حرفات به قیافت نمیخوره... حرف
که میزدم توش اسم خدا بود... خدا رو یه جور

دیگه حس میکردم. درسته هنوزم پدر سوخته
بازی داشتم اما عامل به حرفام بودم... به دانسته
هام عمل میکردم.
وقتی سخنرانی گوش میکردم و کتاب میخوندم
هر چی یاد میگرفتم رو عمل میکردم... کم کم
خدا اون خلاء هایی که بخاطرش به وجود آوردم
رو با چیزای خوب پر کرد و رسماً لذت های زود
گذر من تبدیل به لذت های عمیق شده بود و
عاشق خدا شده بودم.
مدل مو و تیپمو درست کردم و دور تموم لذت
های آنی و سطحی رو خط کشیدم... بابام هم بهم
احترام میذاشت و دیگه تحقیرم نمیکرد.
وقتی دل خدارو به دست آوردم خدا مهر منو تو
دل همه گذاشت.
اما این کل ماجرا نبود.

قلم نفوذ داشت. وقتی مینو شتم و میدادم کسی
بخونه میگفت اصلا بهت نمیاد این چیزا... مثلاً
کتاب راز کنترل شهوت که جزو اولین کتابهامه
انقدر دلی بود که هر کی میخوند میگفت این
همون چیزیه که من دنبالشم! خیلی راحت
میتونستم مطالب ناب روانشناسی رو با معارف
دینی تلفیق کنم و یه راهکار خوب و کاربردی
براش پیدا کنم. کسایی که کتاب های راز کنترل
شهوت و بهترین نسخه خودت باش رو خوندن
تایید میکنن چی میگم.

در تموم این چند سال اتفاقات نبود که منو هدایت
میکرد بلکه الله بود.

من خیلی تو گناه بودم و کج روی هام انقدر زیاد
بود که کسی جز خدا نمیتونست کمکم کنه. وقتی
اون شب با اشک و گریه از ته عمق وجودم ازش

خواستم دستمو بگیره خدا بهم بد و بیراه نگفت و
فحشم نداد.خدا منو دعوا نکرد و نگفت برو
باهات قهرم. خدا گفت بیا من خیلی وقته منتظرت
بودم.

میگفتم خدایا از هر کی کمک میخوام حرف از
جهنم و عذاب میزنه ولی کار من از این چیزا
گذشتست.کمکم کن .خدا گفت تو حرکت کن من
به قدم هات برکت میدم و کمکت میکنم.
منم مثل یه مرد پا شدم و شروع کردم به
خودسازی.

برای تک تک کارها و عادت های بدم وقت
گذاشتم و یک به یک رفتم دنبال راه درمونشون و
چیزی که خیلی به من تو این مسیر کمک میکرد
ایده های جدید و تاپی بود که خدا بهم الهام
میکرد... خیلی خوب میتونم مشکلاتمو حل کنم.
شهریور سال ۹۳ تصمیم گرفتم تموم تجربیات

خودمو در مسیر خودسازی با بقیه به اشتراک
بذارم و سایت چهل توبه زدم که بعد هاش داداش
رضا...

در کمال تعجب دیدم بازدید سایت همش داره
روز به روز بیشتر میشه و از اونجایی که پست
هامو با دل و صادقانه مینوشتم خیلی ها منو
داداش خودشون میدونستن و بعد ها اصلا معروف
شدم به داداش رضا.

در طول این ۴ سال سه بار تصمیم گرفتم سایت و
کانال تلگراممو پاک کنم و آخرین باری که این
کارو کردم برمیگرده به آبان سال ۱۳۹۵ که یهو
سایت و کانال رو کاملا پاک کردم و تصمیم
نداشتم برگردم.

رفتم پی کسب و کارم و برا رشد کسب و کارم
کلی برنامه ریختم.
اما...

اتفاقی که افتاد این بود که کلی ایمیل برام میومد و از دستم همه ناراحت بودن...میگفتن چرا رفتی مارو دلسرد کردی با این کارت داداش... با اینکه واقعا قصد برگشت نداشتم اما رفتم استخاره کردم و فهمیدم انگاری یه رسالتی دارم و باید در این مسیر به خیلی ها کمک کنم... چون تجربه دارم و این تجربم به جوونای همسن خودم خیلی کمک میکنه...

وقتی بعد از یه هفته برگشتم و پست تولدی دوباره گذاشتم با اینکه سایت قطع بود اما کلی نظر اومد و مشخص بود که بچه ها تو این یه هفته که سایت قطع بود اما بازم سر میزدن.

بعد ها برای خودم رسالت تعریف کردم و گفتم:
دلیل اصلی اومدن من به این دنیا اینه که اولاً پاک باشم و دوماً خیلی هارو به پاکی دعوت کنم.
از اون روز به بعد موفقیت هام شروع شد.

مثلا یکیش این بود که تونستم در کمال تعجب
همه تو سال ۹۶ کار افرین برتر استانمون بشم و
بعدشم تونستم یه خونه و ماشین خوب بگیرم و
کلا زندگیم دگرگون شد و پیش مادرم سر افراز
شدم. دست به سنگ میزدم طلا میشد...
همشم بخاطر این بود که تونسته بودم خدارو از
خودم راضی کنم. واقعا تلاش میکردم...واقعا...
تو این ۴ سال پای حرف و گریه بیش از ۱۰۰
هزار نفر نشستم ... همه مدل آدم تو این چهار
سال دیدم و میشه گفت کاملا پخته شدم و
تونستم از تک تک تجربیاتشون در مسیر
خودسازی استفاده کنم.
بعد ها از شبکه دو و سه از من دعوت شد. (برنامه
ماه عسل و لاک جیغ تا خدا)

عواقب بازداشتن طلاب از مطالعه

نقل کرد عالم جلیل السید محمد المقدس
الاصفہانی از برای نگارنده از قول آخوند ملا
محمد کاشانی اصفہانی کہ ایشان فرمودہ بودند
کہ در ایام تحصیل در مدرسہ جدہ ساکن بودم.
سالی در شب ۹ ربیع الاول با طلاب مدرسہ
اجتماعی فراہم کردہ و تا صبح شادی کردیم. من
از این حالت بسیار خوشم آمد و با خودم خیال
کردم بد نیست ہرچند ماہ یک مرتبہ این عمل
تجدید شود تا رفع خستگی ایام تحصیل شود.
روی ہمین نظر پس از یکی دو ماہ خودم پیش
قدم شدم و وسایل خوشی و تفریح را فراہم و
طلاب مدرسہ را بہ حجرہ خویش دعوت کردم و
تا پاسی از شب رفتہ بہ خوشی گذشت.

چون جمعیت متفرق شدند و من خوابیدم در عالم رؤیا مشاهده کردم که در منزلی وارد شده‌ام دو نفر نزد من آمدند و اظهار کردند که پیغمبر اکرم (ص) تو را می‌خواهند. من از ترس بر خود لرزیدم و دنبال آنها به حرکت آمدم. وارد شدیم به اطاق بزرگی که ظاهراً حضرت رسول (ص) در یک گوشه آن قرار گرفته بودند و اطراف ایشان علما و فضلا بودند. من از جملگی آنها فقط مرحوم عالم بزرگوار ملاحسین علی تویسرکانی را که استادم بود، شناختم، دیگران را نشناختم. پیغمبر اکرم (ص) فرمودند که چوب و فلک بیاورید، فوراً حاضر کردند. دستور دادند که ملأ محمد کاشانی را بخوابانید و چوب بزنید که دیگر از این کارها نکند.

من از ترس و وحشت می‌لرزیدم و قدرت تکلم نداشتم. مرحوم حاج ملا حسین علی به خدمت ایشان اظهار کرد او را به من ببخشید. او طلبه بدی نیست اشتباه کرده است و شروع کرد به عذرخواهی. حضرت رسول (ص) من را به استادم بخشیدند. از وحشت از خواب پریدم. قبل از اذان صبح بود، دانستم که عمل دیشب من که طلاب را دعوت کرده و آنها را از مطالعه باز داشته‌ام، عمل اشتباهی بوده است.

گناه نکردن بهتر از گناه کردن و توبه کردن

است!

وقتی از مادر متولد می‌شویم پاک پاک هستیم. تا زمانی که به سن تکلیف برسیم. اگر گناه کردیم

نقطه سیاهی در قلب پاک ما پیدا میشود...ولی
فقط این نیست. بلکه چون فطرت ما پاک است با
گناه کردن روح ما آزرده میشود. همیشه
ناراحتیم. آرامش نداریم. عذاب وجدان مارا رها
نمی کند. گاهی برای یکساعت لذت، یک عمر باید
حسرت بخوریم. گریه بکنیم. و درخواست کمک
کنیم؟ چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی؟

سلام خسته نباشید من ی دختر ۱۵ ساله هستم ک تو
خانواده مذهبی بزرگ شدم اما چن ماه پیش خیلی
وحشتناک و برای خودم غیر قابل باور با پسرای
زیادی چت های نامربوط و بی پسر عکس
های نامربوط دادم شبو روز گریه کردم پشیمونم
خیلییی یعنی راستش من ی حس عجیب خواب
داشتم انگار ک خواب بودم و واقعیتی نداشت من
توبه کردم نمازمو میخونم دعا میکنم و توبه کردم
باحجاب بودم اما خیلی باحجاب تر شدم نماز
مغرب و اعشا رو بیشتر در مسجد میخونم من فعلا
ک قصد ازدواجی ندارم اما در آینده اگر بخوام

ازدواج کنم نمیدونم بهش بگم یا نه اخه میترسم حق
الناس باشه شاید اون دوس نداشته باشه با دختری
ازدواج کنه ک قبلا عکس خیلی بی حجابشو مرد
نامحرم دیده من واقعا نیاز ب کمک دارم هر روز
گریه میکنم راهنماییم کنین با تشکر

من گناه خیلی بزرگی انجام دادم پدري ندارم اما
مادرم و خانوادم نفرینم کردن
رفتم كربلا توبه کردم الانم پشیمونم ديگر تکرار
نمیکنم ایا خداوند مرا میبخشد و نفرین های مادرم
من را نمیگیرد...

سلام، من چن سال پیش ۱۲-۱۳ سالم که بود بر
اثر نادونی وارد رابطه با نامحرم شدم و چن ساله
که به شدت توبه کردم و پشیمانم ولی الان میخوام
ازدواج کنم و هیچ شرایطی هم ندارم که بدونم
دخترم یا زنم،و میترسم ازدواج کنم و باعث خیانت
و ابرو ریزی بشه کمک کنید چکار کنم؟

من به خواهرم خیانت کردم باعث بانیش شوهر
خواهرم بود با منه ساده ارتباط قرار کرد در طول
۲۳ سال ایا توبه کردم ایا خدا توبه منو قبول می کن
یا نه ایا خواهرم حلام می کنم ایا امام حسین
شفاعت می کن روز قیامت/

ایا زنا در فضای مجازی با عکس زن است ومثل
واقعیت محسوب میشود هر چند که پیش خدای
خود شرمگین و خجالت زده هستم

سلام من شوهرم اوایل ازدواج بهم خیانت کرد من
ادمی قران خوان بودم چند سالی هست به دام
خیانت افتادم با چند نفر دوست شدم ولی دخول
انجام نشد ولی یکی از آنها که مجازی بوده من نمی
دانستم پسر خواهر شوهرم بوده واین اقا هر چی
بوده عکس گرفته حالا تهدید میکنه حضوری زنا
انجام بدم ومن توبه کردم پشیمانم واز این میترسم

باعث آبروم بشه اگه بگه من کشته میشم چکار کنم
کمکم کنید

سلام. من شوهر دارم. ولی کمبود عاطفی
زیاد دارم. حسرت ی جانم عزیزم خانومم... حسرت
ی شب تو بغل خوابیدن بدون سکس. الانم ک
دو ساله فقط بخاطر رابطه میاد کنارم شباو بعدتموم
شدن جاشو جدا میکنع. خیلی بی محبتی دیدم. میدونم
بهونس ولی باعث شدتبا برادر شوهرم در جریان
بذارم و کارم ب زنا بکشه
خیلی پشیمونم
چیکار کنم؟

اری عذاب وجدان و آزر دگی روحی گاهی تا اخر
عمر افراد گناهکار را دنبال می کند. و آرامش را از
انها می گیرد و گاه انقدر این ناراحتی روحی زیاد
است که فرد را وادار به خودکشی می کند

جوانی که خودکشی کرد

یک روز جوانی پیش من آمد و گفت گناه بسیار
بزرگی کرده ام. از اون موقع تا بحال آرامش از
گرفته شده است و نمی توانم شبها بخوابم و تنها
زمانی راحت میشوم که خودم را بکشم! من کمی با
ایشان صحبت کردم و از رحمت خدا و اینکه
هرچقدر گناه بزرگ باشد خدا بزرگتر است و توبه
پذیر است و... شماره تلفن همراهم را به ایشان
دادم که اگر باز وسوسه شد برا خودکشی بامن
صحبت کند. رفت و بعد چند روز نیروی انتظامی
گفت جوانی خودش را دار زده و مرده و شماره
تلفن شما در جیبش پیدا شده است.
گفتم چون گناه آرامش را از وی گرفته بود
عاقبت خودکشی نمود.

امیرالمومنین علیه السلام به وی فرمود: ای مرد
برخیز! که فرشتگان آسمان و زمین را به گریه
آوردی!

روزی امیرالمومنین علیه السلام در میان گروهی
از اصحاب خود نشسته و به گفتگو مشغول بود،

در این هنگام مردی نزد آن حضرت آمده گفت:
یا امیرالمومنین! لواط کرده ام مرا پاک گردان.
آن حضرت علیه السلام به او فرمود: ای مرد!
چنین سخنی مگو شاید اختلال به تو دست داده
باشد.

فردا صبح نیز نزد آن حضرت آمده و گفت: یا
امیرالمومنین! لواط کرده ام مرا پاک کن.

باز امام علیه السلام به وی فرمود: ای مرد! به
خانه ات برگرد، شاید حواس پرتی عارضت شده
و تا سه بار بعد از دفعه اول نزد آن حضرت آمده
و سخن خود را تکرار کرد، تا دفعه چهارم که طبق
قانون اسلام حد بر او ثابت شده بود، علی
علیه السلام به وی فرمود: پیامبر
خدا صلی الله علیه و آله وسلم درباره مثل تو سه کیفر

بیان فرموده و تو هر کدام را بخواهی اختیار کن.

مرد گفت: آنها چیست؟

فرمود:

۱ - یک ضربه شمشیر هر جا برسد.

۲ بستن دست و پا و پرتاب از فراز کوه.

۳ سوزاندن با آتش.

مرد گفت: یا امیرالمومنین! کدامیک از اینها

سخت تر است؟

فرمود: سوزاندن با آتش.

مرد گفت: یا امیرالمومنین! من همین را اختیار

می کنم.

آن حضرت به او فرمود: پس خودت را برای

آتش آماده کن.

مرد برخاست و دو رکعت نماز به جای آورد و

در تشهد نماز به درگاه خدا عرضه داشت:

خداوندا! من از گناه خود به سوی تو بازگشت
نموده و از کیفر اخروی آن ترسیده به نزد
جانشین پیامبرت و پسر عمش آمدم و از او
تقاضای پاک کردن نمودم و او مرا بین سه عقوبت
مخیر ساخت، خدایا! من سخت ترینش را
برگزیده از تو می خواهم این عقوبت را کفاره
گناهانم قرار دهی و مرا به آتش دوزخ نسوزانی و
آنگاه برخاسته با چشم گریان به طرف گودالی که
برایش حفر کرده بودند رهسپار گردیده و شعله
های فروزان آتش را نظاره می کرد. در این هنگام
امیرالمومنین علیه السلام به وی فرمود: ای مرد
برخیز! که فرشتگان آسمان و زمین را به گریه
آوردی و خداوند توبه ات را قبول کرد، برخیز و
پس از این به چنین گناهی بازگشت مکن^(۱۶)

^{۱۶} فروع کافی، باب آخر من حد اللواط، حدیث ۱. تهنیب، باب الحدود فی اللواط، حدیث ۷.

مناجات توبه کنندگان

امام سجاد علیه السلام پانزده مناجات پیوسته بهم دارد معروف به مناجات خمسہ عشر که در مفاتیح الجنان هم ذکر شده است. مناجات اول مربوط به مناجات توأیین است.

المناجاة الاولى: مناجاة التائبين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

□ به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش
همیشگی است؛

إِلٰهُهُیَ الْبَسْتَنِي الْخَطَايَا ثَوْبَ مَذَلَّتِي، وَجَلَّلَنِي
التَّبَاعِدُ مِنْكَ لِبَاسَ مَسْكَنَتِي، وَأَمَاتَ قَلْبِي عَظِيمُ
جَنَائَتِي، فَأَحْيِهِ بِتَوْبَةٍ مِنْكَ يَا أَمَلِي وَبُغْيَتِي، وَيَا
سُؤْلِي وَمُنِيَّتِي، فَوَعِزَّتِكَ مَا أَجِدُ لَذُنُوبِي سِوَاكَ

غَافِرًا، وَلَا أَرَىٰ لِكَسْرِي غَيْرَكَ جَابِرًا، وَقَدْ
خَضَعْتُ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ، وَعَنَوْتُ بِالِاسْتِكَانَةِ لَدَيْكَ،
فَإِنْ طَرَدْتَنِي مِنْ بَابِكَ فَبِمَنْ أَلُوذُ؟ وَإِنْ رَدَدْتَنِي
عَنْ جَنَابِكَ فَبِمَنْ أَعُوذُ؟ فَوَا أَسْفَاهُ مِنْ خَجَلْتِي
وَأَفْتِضَاحِي، وَوَا لَهْفَاهُ مِنْ سُوءِ عَمَلِي وَاجْتِرَاحِي
خدایا! گناهان بر من لباس خواری پوشانده و

دوری از تو جامه درماندگی بر تنم پیچیده و
بزرگی جنایت‌م دلم را میرانده، پس آن را با توبه
به درگاهت زنده کن، ای آرزویم و مرادم و
خواسته‌ام و امیدم، به عزّتت سوگند برای گناهانم
آمرزنده‌ای جز تو نمی‌یابم و برای دل‌شکستگی‌ام
جبران‌کننده‌ای جز تو نمی‌بینم، به پیشگاهت با
توبه و انابه فروتنی نمودم و با ذلّت و خواری، به
درگاهت تسلیم شدم، اگر مرا از درگاهت برانی
به که روی آورم؟ و اگر از آستان‌ت بازگردانی به

که پناه برم؟ در این حال افسوس از شرمندگی و
 رسوایی‌ام و دریغ از زشتی کردار و فراهم آوردن
 گناهانم، اَسْأَلُكَ يَا غَافِرَ الذَّنْبِ الْكَبِيرِ، وَيَا جَابِرَ
 الْعَظْمِ الْكَسِيرِ، أَنْ تَهَبَ لِي مُوبَقَاتِ الْجَرَائِرِ،
 وَتَسْتُرَ عَلَيَّ فَاضِحَاتِ السَّرَائِرِ، وَلَا تُخَلِّنِي فِي مَشْهَدِ
 الْقِيَامَةِ مِنْ بَرْدِ عَفْوِكَ وَغَفْرِكَ، وَلَا تُعَرِّنِي مِنْ
 جَمِيلِ صَفْحِكَ وَسِتْرِكَ. ای آمرزنده گناهان
 بزرگ و ای جبران‌کننده استخوان شکسته، از تو
 درخواست می‌کنم که گناهان تباه‌کننده‌ام را بر
 من ببخشایی و بر من بپوشانی پنهان‌کاری‌های
 رسواکننده‌ام را و مرا در عرصه قیامت از نسیم
 گذشت و آمرزش بی‌بهره مگذاری و از پوشش
 زیبای چشم‌پوشی‌ات عریان و بی‌پوشش رها
 نسازی، اِلٰهِي ظَلَلْ عَلَيَّ ذُنُوبِي غَمَامَ رَحْمَتِكَ،
 وَأَرْسِلْ عَلَيَّ عِيُوبِي سَحَابَ رَأْفَتِكَ؛ خدایا سایه

رحمت را بر گناهانم بینداز و ابر مهربانیات را

به سوی عیب‌هایم گسیل کن؛ اِلٰهِي هَلْ يَرْجِعُ

الْعَبْدُ الْآبِقُ اِلَّا اِلَى مَوْلَاهُ؟ اَمْ هَلْ يُجِيرُهُ مِنْ

سَخَطِهِ اَحَدٌ سِوَاهُ؟ اِلٰهِي اِنْ كَانَ النَّدَمُ عَلٰى

الذَّنْبِ تَوْبَةً فَاِنِّى وَعَزَّتْكَ مِنَ النَّادِمِينَ، وَ اِنْ كَانَ

الاسْتِغْفَارُ مِنَ الْخَطِيئَةِ حِطَّةً فَاِنِّى لَكَ مِنْ

الْمُسْتَغْفِرِينَ، لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى. خدایا!

آیا برده فراری جز به جانب مولایش باز می‌گردد؟

یا کسی به او از خشم مولایش، جز مولایش پناه

می‌دهد؟ خدایا اگر پشیمانی از گناه توبه است،

پس به عزّت سوگند که من از پشیمانانم و اگر

آمرزش طلبی از خطاکاری سبب فرو ریختن

خطاها از پرونده است، من از آمرزش خواهانم،

حق رضایت با توست تا راضی شوی، اِلٰهِي

بِقُدْرَتِكَ عَلٰى تَبِّ عَلٰى، وَبِحِلْمِكَ عَنِّى اَعْفُ عَنِّى،

وَبِعِلْمِكَ بِي اِرْفَقْ بِي . اِلٰهِي اَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ
لِعِبَادِكَ بَاباً اِلَى عَفْوِكَ سَمَّيْتَهُ التَّوْبَةَ،
فَقُلْتُ : ﴿تُوبُوا اِلَى اللّٰهِ تَوْبَةً نَّصُوحاً﴾؛ فَمَا عَذْرُ
مَنْ اَغْفَلَ دُخُولَ الْبَابِ بَعْدَ فَتْحِهِ ؟ اِلٰهِي اِنْ كَانَ
قُبْحَ الذَّنْبِ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوَ مِنْ عِنْدِكَ
.خدایا با قدرتت بر من، توبه‌ام را بپذیر و با
بردباریات نسبت به من، از من در گذر و با
آگاهیات از حال من، با من مدارا فرما، خدایا
تویی که به روی بندگان دری به‌سوی بخششت
گشودی و آن را توبه نامیدی و خود فرمودی:
«باز گردید به‌جانب خدا، بازگشتی خالصانه»؛ پس
عذر کسی که از ورود به این در پس از گشوده
شدنش غفلت ورزد چه می‌تواند باشد؟ خدایا اگر
نافرمانی و گناه از بنده‌ات زشت بود، پس گذشت
از جانب تو زیباست، اِلٰهِي مَا اَنَا بِاَوَّلِ مَنْ عَصَاكَ

فُتِّبْتَ عَلَيْهِ، وَتَعَرَّضَ لِمَعْرُوفِكَ فَجُدْتَ عَلَيْهِ، يَا
مُجِيبَ الْمُضْطَرِّ، يَا كَاشِفَ الضُّرِّ، يَا عَظِيمَ الْبِرِّ، يَا
عَلِيمًا بِمَا فِي السِّرِّ، يَا جَمِيلَ السَّلَاطَةِ، اسْتَشْفَعْتُ
بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ إِلَيْكَ، وَتَوَسَّلْتُ بِجَنَابِكَ
وَتَرَحُّمِكَ لَدَيْكَ، فَاسْتَجِبْ دُعَائِي، وَلَا تُخَيِّبْ فِيمَكَ
رَجَائِي، وَتَقَبَّلْ تَوْبَتِي، وَكَفِّرْ خَطِيئَتِي، بِمَنِّكَ
وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. خدایا نخستین کسی

نیستم که تو را نافرمانی کرده و حضرتت توبه
پذیرش شدی و خود را در معرض احسانت قرار
داده و تو مورد احسانش قرار دادی، ای
پاسخگوی درماندگان، ای برطرف کننده زیان، ای
بزرگ نیکی، ای دانای نهان، ای زیبا پرده پوش، به
جود و کرمت به سوی تو شفاعت می جویم و توسل
می کنم نزد تو، به فضل و رحمت دعا می را اجابت
کن، امیدم را به خود ناامید مساز و توبه ام را بپذیر

و با احسان و مهرت خطاهایم را نادیده گیر، ای
مهربان ترین مهربانان.

توبه شیطان!

ابلیس برای موسی بن عمران ظاهر شد و گفت:
می‌خواهم ده نصیحت بکنم. گفت: برو من نصیحت تو
را نمی‌خواهم. خطاب رسید: ردّش نکن، ابلیس به
موسی (علیه السلام) گفت: هیچ کجا با زن نامحرم
تنها نشو، ابلیس می‌دانست که اگر مرد جوانی با زن
نامحرم جوانی مقدماتی فراهم کنند و سپس در مکانی
خلوت قرار گیرند، زنا قطعی است.

نصیحت دیگر ابلیس به موسی این بود: در هیچ
برنامه‌ای از برنامه‌های این کره زمین که پیش می‌آید
عصبانی نشو، جای عصبانی شدن ندارد.

نصیحت دیگر این که در داوری بین مردم خدا را فراموش
نکن که نکند به ناحق داوری کنی. اگر کارمند
دادگستری، دادیار، قاضی یا دادستان شدی، آنجا زور
من ضدّ تو خیلی زیاد خواهد بود، مواظب من باش سرت
را کلاه نگذارم، علف اسکناس نشانت ندهند که حکم را
به نفع ظالم امضا کنی و مهر کنی و به ضدّ مظلوم؛
یعنی حیوان صفت نشو که با علف اسکناس جفتک
بیندازی در حکم دادن.

پیشنهادی که شیطان به موسی داد

بعد از اینکه موسی این سه نصیحت را از ابلیس شنید، خدا فرمود که هفت مورد دیگر را گوش ندهد، ابلیس یک پیشنهاد به موسی کرد و گفت: خیلی با خدا رفیق هستی موسی، در تمام انبیائش فقط با تو بی واسطه حرف می‌زند، کلیم الله هستی، ما سه تا نصیحت کردیم و حق به گردنت پیدا کردیم، از خدا بخواه من را پیامرزد و به من رحم کند.

موسی به پروردگار گفت و خداوند فرمود: به او بگو بلند شو برو به قبر آدم آدرسش هم معلوم است سجده کن، من همه گذشته‌ات را می‌بخشم. بلند شد گفت: موسی به خدا بگو من به زنده بودنش سجده نکردم حالا به قبرش سجده کنم؟ نمی‌خواهم.

حضرت یحیی و موعظه های جوانی که سنگسار

شد...

موعظه های فرد زناکار به حضرت یحیی (ع)

همه جمع شدند و حضرت یحیی (ع) نیز در میان جمعیت بودند، مرد زناکار را در گودالی گذاشتند تا او را سنگسار نمایند، او فریاد زد، هر کسی که بر گردنش، حد هست از اینجا برود، همه رفتند، تنها عیسی و یحیی باقی ماندند.

از امام صادق (ع) نقل شده است: مردی به حضور حضرت عیسی (ع) رسید و اقرار کرد که من زنا کرده‌ام و مرا پاک کن. پس از آنکه زنا کردن او ثابت شد و بنا بر این گردید که او را سنگسار کنند (گویا زناي محصنه بوده است) اعلام شد که جمعیت جمع شوند.

همه جمع شدند و حضرت یحیی (ع) نیز در میان جمعیت بودند، مرد زناکار را در گودالی گذاشتند تا او را سنگسار نمایند، او فریاد

زد، هر کسی که بر گردنش، حد هست از اینجا برود، همه رفتند، تنها عیسی و یحیی باقی ماندند.

در این هنگام حضرت یحیی (ع) فرصت را غنیمت شمرد و به خاطر اینکه موعظه آن مرد در آن حال اثر بخش بود نزد او رفت و فرمود:

یا مذهب عطنی: "ای گنهکار مرا موعظه کن."

او گفت: لا تخلین بین نفسک و هواها فتردی: "بین نفس خود و هوس‌هایش را آزاد نگذار تا خود را تباه سازی"

یحیی فرمود: باز مرا موعظه کن.

او گفت : لا تعیرن خاطناً بخطیئته: "گنهکار را بخاطر گناهش سرزنش مکن"

یحیی فرمود: باز مرا موعظه کن.

او گفت : لاتغضب : "خشمگین مشو"

یحیی فرمود: همین سه موعظه مرا کافی است.

و در روایت دیگر است که فرد گنه کار

گفت: یحیی! گناه نکن چون در این صورت از

چشم خدا می افتی!

گریه بر امام حسین پاک کننده همه گناهان..

یکی از عباراتی که حضرت امام رضا(ع) در مورد کربلا فرمودند این بود که هر کس یک قطره اشک برای سید الشهداء بریزد خداوند همه گناهانش را می بخشد چه کم باشد چه زیاد، چه گناه کبیره باشد چه گناه صغیره.

سید بحر العلوم می گویند دو حدیث بود واقعا متوجه آن نمی شدم اولین حدیث این بود که هر کسی به اندازه بال مگس برای امام حسین(ع) اشک بریزد خداوند همه گناهانش را می بخشد چه کم و چه زیاد، چه صغیره و چه کبیره ولو به اندازه کف روی آبها باشد؛ سید بحر العلوم می گفتند من نمی توانستم این حدیث را درک کنم مگر می شود انسان چندین سال گناه کند و با یک قطره اشک روضه خداوند همه گناهان را می بخشد.

سید بحر العلوم می گوید دومین حدیثی که متوجه نمی شدم این بود " هر کس در مسیر زیارت امام حسین(ع) قدم بر می دارد حج مقبول و عمره مقبول برایش نوشته می شود، متوجه نمی شدم چطور است ما این همه هزینه

می کنیم زحمت می کشیم به حج می رویم اما هنگام
بازگشت نمی توانیم بگوییم که ما حاجی شده ایم اما
چطور قدمی که برای زیارت امام حسین (ع) برداشته می
شود یک حج مقبول است.

سید بحر العلوم گفت برای فهمیدن این احادیث صبح پنج
شنبه به سمت سامرا رفتم و متوسل به امام زمان (عج)
شدم و ایشان را ملاقات کردم حضرت حجت فرمودند
می خواهی مطلبی بگویم که این دو حدیث را متوجه
شوی، حضرت حجت فرمودند "سلطانی بود با درباریان و
وزرایش به شکار رفت سلطان با چشم خود یک شکار را
رصد کرد به همراهانش گفت هیچ کدام به دنبال من
نباشید می خواهم به تنهایی این صید را شکار کنم.

سلطان به دنبال صید رفت اما صید از محوطه دید او دور
شد خواست بازگردد اما هوا تاریک شد هرچه فریاد زد
کسی به دادش نرسید، گرسنه و تشنه ماند که ناگهان
یک خیمه ای نمایان شد یک جوان با مادر پیرش خارج

شدند از سلطان پرسیدند چه کسی هستی نگفت من سلطان هستم فقط گفت راه را گم کرده ام گرسنه و تشنه هستم می شود از من پذیرایی کنید، مادر گفت همه سرمایه ما یک گوسفند است از پیامبران به ما این مطلب رسیده است که مهمان را اطعام کنید حتی اگر کافر باشد پس گوسفند را ذبح کنیم و این شخص راه گم کرده را پذیرایی کنیم.

سلطان غذا و نوشیدنی را که برایش فراهم شده بود خورد و خوابید صبح که از خواب بلند شد رو به جوان کرد و گفت جوان من سلامتی خودم را مدیون محبت تو و مادرت هستم من دیشب خودم را معرفی نکردم من سلطان هستم ، خادمان زیادی دارم ملک و املاک دارم گله های گوسفند دارم اگر یک روز گذرت به درب کاخ من افتاد داخل بیا تا جواب محبت تو را با محبت بهتری پاسخ دهم، مدت ها گذشت تا اینکه یک روز گذر این جوان و مادر پیرش به درب کاخ سلطان رسید گفتند وارد کاخ شویم ببینیم این سلطان سر حرفی که گفته می

ماند یا نه، درباریان به سلطان گفتند که فلان شخص
آمده سلطان دستور داد تا با احترام وارد کاخ شوند
سلطان داستان نجات خودش را به وزرایش گفت و از
وزرا مشورت خواست اگر من بخواهم جواب محبت این
جوان و مادرش را بدهم چه چیزی هدیه کنم، یکی از
وزرا گفت او یک گوسفند داده شما ۱۰۰ گوسفند هدیه
دهید دیگری گفت ۲۰۰ گوسفند با یک ده هدیه دهید.

سلطان از این پاسخ ها عصبانی شد و گفت شما در دادن
پاسخ اشتباه کردید زیرا همه هستی آن جوان و مادرش
یک گوسفند بود آنها از همه هستی خود گذشتند اگر من
سلطان بخواهم جواب محبت این جوان و مادرش را
بدهم اگر تمام تخت و سلطنت و ثروتم را به این ها هدیه
کنم در نهایت به اندازه همین ها محبت کردم.

امام زمان(عج) در اینجا فرمود سید بحرالعلوم امام
حسین(ع) از خودش از زن و فرزند و عزیزانش و از تمام
هستی اش را در راه خدا گذشت اگر خداوند بخواهد
پاسخ محبت حسین(ع) را بدهد باید ذات خدایی بدهد اما

از آنجا که خدایی تنها برای خداست فلذا خداوند فرموده
است هر کس یک قطره اشک در عزای تو بریزد تمام
گناهانش را می بخشم و هر کسی در راه زیارت تو قدم
بردارد یک حج مقبول و یک عمره مقبول برایش می
نویسم.

صلوات پاک کننده گناه...

امام رضا(علیه السلام) می فرماید: "کسی که توانایی بر
چیزی که موجب محو و آمرزش گناهان او شود ندارد،
پس بسیار بر محمد و آلش صلوات بفرستد، چرا که
صلوات گناهان را نابود و ریشه کن می کند.

ابن بابویه از ابو حمزه روایت کرده است که از امام جعفر
صادق (ع) پرسیدم که چگونه صلوات فرستم بر (محمد و
آل محمد)؟ فرمود: که می گویید

صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ صَلَوَاتُ مَلَائِكَتِهِ وَ أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جَمِيعِ
خَلْقِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ السَّلَامِ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ
بَرَكَاتُهُ

عرض کردم چه خواهد بود ثواب آن؟ فرمودند : به خدا
قسم از گناهان بیرون می آیی، مانند روزی که از مادر
متولد شده ای.

در زیارت جامعه کبیره است؛ وَ جَعَلَ صَلَاتِنَا (صَلَوَاتِنَا)
عَلَيْكُمْ وَ مَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ طِيباً لَخَلَقْنَا وَ طَهَّرَهُ
لِأَنْفُسِنَا وَ تَزْكِيَةٍ لَنَا که صلوات باعث تزکیه و پاک شدن
است.

در روایتی داریم که پیامبر(صلی الله و علیه و آله)
فرمودند: صلوات بر من باعث خشنودی پروردگار و
اجابت دعا است و زکاتی است برای اعمال شما
در روایت است که اگر کسی تمام حسنات و ثواب ها در
پرونده اعمالش باشد ولی ذکر صلوات نباشد، آن اعمال و
پرونده اش پذیرفته نمی شود و قبول نمی شود.

امیرالمومنین (علیه السلام) فرمودند: تأثیر صلوات برای
از بین بردن گناهان قوی تر از تأثیر آب بر آتش است
پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به امیرالمومنین (علیه
السلام) فرمودند: یا علی! هر کسی به من هر روز و هر
شب صلوات بفرستد شفاعتم بر او واجب می شود؛ اگر
چه گناهانش از گناهان بزرگ باشد

توسل به اهل بیت علیهم السلام پاک کننده

گناهان

همانگونه که اولین توبه کننده عالم یعنی حضرت
ادم علیه السلام با توسل به پنج تن آل عبا، توبه
اش قبول شد همه گناهکاران می توانند با توسل
به پیامبر خدا و اهل بیتش، توبه نمایند و
گناهانشان پاک شود.

در قسمتی از زیارتنامه امیرمومنان آمده است که:

کن لی الی الله شفیع.و من النار مجیر و علی
الدھر ظهیرا

یا علی! پیش خدا شفیع من باش.و از اتش جهنم
مرا پناه بده و در مشکلات روزگار پشتوانه ام
باش.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده اند:
«حبی و حب اهل بیتی نافع فی سبعة مواطن
اهوالهن عظیمه؛ محبت من و خاندانم در هفت جا،
که هول و هراس آنها عظیم است سود می بخشد.
«عند الوفاء و فی القبر و عند النشور و عند الکتاب
و عند الحساب و عند المیزان و عند الصراط؛

هنگام مرگ، در قبر، هنگام رستاخیز، هنگام گرفتن نامه اعمال، وقت حساب، کنار میزان و سنجش اعمال و هنگام عبور از صراط».

روزی حارث همدانی به حضور امام علی (علیه السلام) آمد، امام از علت آمدن او جویا شد او گفت: عشق و علاقه به شما مرا به اینجا کشانیده، حضرت فرمود: ای حارث تو مرا دوست داری؟ گفت: بلی والله یا امیرالمؤمنین، حضرت فرمود: بدان که هیچ بنده‌ای از دوستان ما نمی‌میرد مگر این که در هنگام مردن مرا آن طوری که دوست دارد می‌بیند چون بینی مرا که دشمنان خود را از حوض کوثر دور می‌کنم خوشحال خواهی شد، و چون بینی که بر صراط

می‌گذرم و (علم محمد) به دست من است و پیش
حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌روم
چنان مرا خواهی دید که مشعوف و مسرور
می‌شوی.

از امام صادق (علیه‌السلام) روایت شده که حضرت
رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به امام علی
(علیه‌السلام) فرمودند: یا علی تو و شیعیان تو از
قبرها بیرون خواهید آمد و صورت‌های شما مانند
ماه شب چهارده خواهد بود و جمیع شدت‌ها و
غم‌ها از شما برطرف خواهد شد و در سایه عرش
الهی خواهید بود، مردم خواهند ترسید و شما
نخواهید ترسید و مردم اندوهناک خواهند بود و

شما مسرور خواهید بود و برای شما خوان
نعمت‌های الهی می‌آورند و مردم مشغول به
حساب و کتاب خواهند بود.

سایر پاک کننده های گناهان

کمک ها و صدقات پنهانی

یکی از راههای جبران خطاها و گناهان، کمک پنهانی به دیگران است. قرآن می فرماید:

إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنَعِمًا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا
الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَيَكْفُرُ عَنْكُمْ مِنْ سَيِّئَاتِكُمْ^{۲۰}

اگر به فقرا آشکارا کمک کنید کار نیکوئی کرده اید، ولی اگر همین صدقات را پنهانی انجام داده و رسیدگی به فقرا، مخفیانه باشد برای شما بهتر است و سبب محو گناهانتان خواهد شد.

هجرت و جهاد

قرآن هجرت و جهاد را یکی از راههای جبران گناهان می داند و می فرماید:

فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ أُوذُوا فِي سَبِيلِي وَ قَاتَلُوا وَ قُتِلُوا لَأَكْفِرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ^{۲۱}

کسانی که هجرت کرده اند و بخاطر حمایت از حق از خانه هایشان آواره و اخراج شده اند و در راه من آزارها دیده اند و جهاد کرده و به شهادت رسیده اند، من گناهانشان را پوشانده و آنها را خواهم بخشید

قرض دادن

وام دادن به افراد گرفتار، یکی دیگر از عوامل جبران گناهان است. قرآن می فرماید

إِنْ تَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يضاعِفْهُ لَكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ^{۲۲}

هرگاه شما برای خدا به بندگان نیازمندش قرض نیکو دهید، [وامی که در آن بهره و آزار و توقع و ذلت نباشد]، خداوند چند برابر آن، پاداش عطا می فرماید و گناهان شما را هم می آمرزد

^{۲۱} آل عمران / ۱۹۳ .

^{۲۲} تغابن / ۱۷ .

نماز گناهان را پاک می کند

سلمان فارسی می گوید: روزی با پیامبر (ص) زیر درختی نشسته بودیم. حضرت شاخه های خشک درخت را تکان داد، تمام برگ های آن فرو ریخت. سپس رو به من کرد و فرمود: سؤال نکردید چرا من این کار را کردم. گفتم: (جانم به فدایت) بفرمایید منظورتان چه بوده؟

فرمود: هنگامی که مسلمان خوب وضو بگیرد، سپس نمازهای پنجگانه را به جا آورد، گناهان او فرو می ریزد، همان گونه که برگ های این شاخه فرو ریخت. سپس را تلاوت کرد.^{۲۳} «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يَذْهَبْنَ السَّيِّئَاتِ» آیه

در حدیث نماز جعفر آمده است که اگر کسی سالی یک بار بخواند تمام گناهانش پاک می شود.

عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ أَنَّ رَجُلًا أَصَابَ مِنْ امْرَأَةٍ قُبْلَةً، «فَأَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَخْبَرَهُ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيْ النَّهَارِ وَزُلْفَا مِنَ اللَّيْلِ

إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ. فَقَالَ الرَّجُلُ: يَا
رَسُولَ اللَّهِ أَلَيْ هَذَا؟ قَالَ: لَجَمِيعِ أُمَّتِي كُلِّهِمْ.
(البخاری).

از ابن مسعود نقل شده: مردی که زنی را بوسیده
بود خدمت پیامبر -ص- آمد و از این گناه خود به
وی عرض کرد. خداوند این آیه را نازل کرد: نماز
را در دو طرف روز که وقت نماز صبح و عصر
است و اوائل شب «که وقت نماز مغرب و عشاء
است» بجای آورید بی گمان نیکیها و حسنات «از
جمله نمازهای پنجگانه» بدیها و سیئات و آثار آنها
را بر طرف می سازند. «پیامبر -ص- که این آیه را
برایش خواند» آن مرد گفت: ای رسول خدا، فقط
برای من این طور است؟ پیامبر -ص- فرمود:
.برای همه امت من

جوانی در هنگام نماز در مسجد به پیامبر گفت من گناه کرده ام مرا پاک فرما! پیامبر صورت از ایشان برگرداند و نماز را شروع کرد. بعد از نماز باز آن جوان حرف خود را تکرار کرد. پیامبر به او فرمود مگر شما وضو نگرفتی و با لباس پاک، با ما نماز خواندی؟ گفت چرا یا رسول الله. فرمود پس گناهانت پاک شد.

نماز شب و پاک شدن گناه

یکی از پاک کننده های گناه، نماز و عبادت فرد مؤمن در شب می باشد، یعنی غیر از ثوابی که نماز شب دارد، یکی از آثارش شستشو دادن گناه مؤمن می باشد .

أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ قَالَ صَلَاةُ الْمُؤْمِنِ بِاللَّيْلِ تَذْهَبُ بِمَا عَمِلَ مِنْ ذَنْبٍ بِالنَّهَارِ،

امام صادق (ع) در کلام خداوند عز وجل می باشد
که نیکبها بدیها را از بین می برد که امام (ع)
فرمودند : نماز مؤمن در شب گناهی که در روز
انجام داده است را از بین می برد.^{۲۴}

یکی دیگر از پاک کننده های گناهان نمازی می
باشد که با حضور قلب و توجه به ذات پاک الهی
انجام پذیرد

أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ مَنْ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ يَعْلَمُ مَا
يَقُولُ فِيهِمَا أَنْصَرَفَ وَ لَيْسَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ ذَنْبٌ ،
امام صادق (ع) : کسیکه دو رکعت نمازی که می
داند در آن چه می گوید، انجام دهد و تمام شود
، بین او و بین خدا گناهی نخواهد بود.^{۲۵}

نماز فاطمه الزهرا (س) و پاک شدن از گناه

^{۲۴} الکافی ، ج ۳ ، ص ۲۶۶

^{۲۵} الکافی ج ۳ ، ص ۲۶۶

أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ مَنْ صَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ بِمِائَتِي
 مَرَّةٍ قُلُ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ خَمْسُونَ مَرَّةً لَمْ
 يَنْفَتِلْ وَبَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ ذَنْبٌ إِلَّا غُفِرَ لَهُ

امام صادق (ع) : هر کسی چهار رکعت نماز به
 دوست مرتبه قل هو الله احد که در هر رکعت
 پنجاه مرتبه بگوید، هنوز نماز تمام نشده بین او
 و خداوند گناهی نیست مگر اینکه بخشیده می
 شود.^{۲۶}

اذان گفتن و پاک شدن از گناه

وَقَالَ (ع) مَنْ أَذَّنَ سَبْعَ سِنِينَ مُحْتَسِبًا جَاءَ يَوْمَ
 الْقِيَامَةِ لَا ذَنْبَ لَهُ إِمَام (ع) :

کسیکه هفت سال حساب شده و با توجه اذان
 بگوید ، می آید روز قیامت در حالی گناهی بر او

نمی باشد. ۲۷.

نماز با شصت مرتبه قل هو الله وپاک شدن گناه

الصَّادِقُ (ع) قَالَ مَنْ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ خَفِيفَتَيْنِ بَقُلْ هُوَ
اللَّهُ أَحَدٌ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ سِتِّينَ مَرَّةً انْقُتِلَ وَ لَيْسَ بَيْنَهُ
وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ذَنْبٌ ،

امام صادق (ع): کسیکه دو رکعت نماز آرام
بگذارد که در هر رکعت شصت مرتبه قل هو الله
احد باشد . نماز تمام نشده که بین او و خداوند عز
وجل گناهی نباشد. ۲۸.

نماز صبح و استغفار وپاک شدن از گناهان

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ مَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ بَعْدَ صَلَاةِ
الْفَجْرِ سَبْعِينَ مَرَّةً غُفِرَ اللَّهُ لَهُ وَ لَوْ عَمِلَ ذَلِكَ الْيَوْمَ

۲۷ من لایحضره الفقیه ج ۱ ، ص ۲۸۶

۲۸ من لایحضره الفقیه ج ۱

أَكْثَرَ مَنْ سَبْعِينَ أَلْفَ ذَنْبٍ وَ مَنْ عَمِلَ أَكْثَرَ مِنْ
سَبْعِينَ أَلْفَ ذَنْبٍ فَلَا خَيْرَ فِيهِ ،

امام باقر (ع) : کسیکه بعد از نماز صبح هفتاد
مرتبه استغفار کند ، خداوند او را می بخشد اگر
چه عمل آن روز او بیشتر از هفتاد هزار گناه باشد
و کسی که در روز عمل او اکثر از هفتاد هزار گناه
باشد خیری در آن روز برای او نمی باشد.^{۲۹}

نماز عصر و استغفار و پاک شدن از گناهان

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) أَنَّهُ قَالَ مَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ بَعْدَ
صَلَاةِ الْعَصْرِ سَبْعِينَ مَرَّةً غَفَرَ اللَّهُ لَهُ سَبْعِمِائَةَ ذَنْبٍ
امام صادق (ع) : کسیکه بعد از نماز عصر هفتاد
مرتبه استغفار کند ، خداوند هفتصد گناه او را می
بخشد.^{۳۰}

^{۲۹} وسائل الشیعة ج ۶ ، ص ۴۸۰

^{۳۰} وسائل الشیعة ج ۶ ، ص ۴۸۲

شب زنده داری و پاک شدن از گناهان

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا قَامَ لَيْلَهُ ثُمَّ أَصْبَحَ صَائِمًا نَهَارَهُ لَمْ يُكْتَبْ عَلَيْهِ ذَنْبٌ وَلَمْ يَخْطُ خُطْوَةً إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا حَسَنَةً (وَلَمْ يَتَكَلَّمْ بِكَلِمَةٍ خَيْرٍ إِلَّا كَتَبَ لَهُ بِهَا حَسَنَةً) وَإِنْ مَاتَ فِي نَهَارِهِ صُعِدَ بِرُوحِهِ إِلَى عَلِيِّينَ وَإِنْ عَاشَ حَتَّى يُفْطِرَ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْأَوَّابِينَ

امام باقر (ع) : به درستی که مومن وقتی شب را بیدار باشد و صبح کند در حالی که آن روز را روزه بدارد ، برای او گناهی نوشته نمی شود و قدمی از بر نمی دارد مگر اینکه برای او حسنه ای نوشته می شود . (کلمه خیری نمی گوید مگر اینکه برای او حسنه ای نوشته می شود) و اگر در آن روز بمیرد روح او به علیین بالا برده میشود و اگر بماند

تا اینکه افطار نماید خداوند او را از توابعین می

نویسد. ۳۱

نماز و پاک شدن از گناهان

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ جَاءَ ثَقَفِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ (ص)
فَسَأَلَهُ عَمَّا لَهُ مِنَ الثَّوَابِ فِي الصَّلَاةِ فَقَالَ النَّبِيُّ (ص)
إِذَا قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ وَتَوَجَّهْتَ وَقَرَأْتَ أُمَّ الْكِتَابِ
وَمَا تَيْسَّرَ لَكَ مِنَ السُّورِ ثُمَّ رَكَعْتَ فَأَتَمَمْتَ
رُكُوعَهَا وَسُجُودَهَا وَتَشَهَّدْتَ وَسَلَّمْتَ غُفِرَ لَكَ
كُلُّ ذَنْبٍ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الصَّلَاةِ الَّتِي قَدَّمْتَهَا إِلَى
الصَّلَاةِ الْمُؤَخَّرَةِ فَهَذَا لَكَ فِي صَلَاتِكَ الْخَبَرُ

امام باقر (ع) می فرماید : ثقفی نزد رسول اکرم
(ص) آمد و سوال کرد از ثواب آن چه برای او در
نماز می باشد . پس نبی اسلام (ص) فرمودند : وقتی

به نماز ایستادی و توجه کردی و ام الكتاب را خواندی و آنچه میسر است از سوره ها سپس رکوع کردی و تمام کردی رکوع را و سجود را و تشهد را بجا آوردی و سلام دادی هر گناهی که بین تو و نمازی که مقدم داشتی تا این نماز برای تو بخشیده می شود و این است برای تو در نماز. ۳۲

خواندن دو رکعت نماز و پاک شدن از گناهان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَنْ أَذْنَبَ ذَنْبًا فَأَشْفَقَ مِنْهُ فَلْيَسْبِغِ الْوُضُوءَ ثُمَّ لِيَخْرُجْ إِلَى بَرَّازٍ مِنَ الْأَرْضِ حَيْثُ لَا يَرَاهُ أَحَدٌ فَيُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبَ كَذَا كَذَا فَإِنَّهُ كَفَّارَةٌ لَهُ،

رسول خدا (ص): کسی که گناهی انجام دهد و از آن جدا شود و به فضایی آزاد از زمین برود تا جایی که او را احدی نبیند و دو رکعت نماز گذارد

سپس بگوید خدا یا ببخش گناه مرا بدرستی که
آن کفاره اوست. ۳۳.

انتظار نماز جماعت و پاک شدن از گناهان

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (ع) قَالَ أَنْتَظِرُ الصَّلَاةَ جَمَاعَةً مِنْ
جَمَاعَةٍ إِلَى جَمَاعَةٍ كَفَّارَةٌ كُلِّ ذَنْبٍ

امام کاظم (ع) : منتظر نماز جماعت بودن از نماز
جماعت تا نماز جماعت دیگر کفاره همه گناهان
می باشد. ۳۴.

دعا بعد از نماز صبح جمعه و پاک شدن گناهان

عَنِ الصَّادِقِ (ع) أَنَّهُ قَالَ مَنْ قَالَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ بَعْدَ
صَلَاةِ الْغَدَاةِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَحَمَلَةِ
عَرْشِكَ وَجَمِيعِ خَلْقِكَ وَسَمَائِكَ وَأَرْضِكَ وَ

۳۳ مستدرک الوسائل ج ۶ ، ص ۳۹۴

۳۴ مستدرک الوسائل ج ۶ ، ص ۴۴۸

أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يُكْتَبْ
عَلَيْهِ ذَنْبٌ سَنَةً

امام صادق (ع) فرمود: کسی که روز جمعه بعد از
نماز صبح بگوید: خدا یا! درود ملائکه ات و حمله
عرشت و همه خلقت و آسمان و زمین و انبیا
و رسولان را بر محمد و آل محمد قرار بده گناه
یک سال بر او نوشته نمی شود.^{۳۵}

نماز روز چهارشنبه و پاک شدن گناهان

صَلَاةُ يَوْمِ الْأَرْبَعَاءِ وَبِإِسْنَادِهِ أَيْضاً قَالَ مَنْ صَلَّى يَوْمَ
الْأَرْبَعَاءِ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ يَقْرَأَ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ الْحَمْدَ وَ
الْإِخْلَاصَ وَ سُورَةَ الْقَدْرِ مَرَّةً وَاحِدَةً تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ
مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ وَ زَوْجَهُ بِزَوْجِهِ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ ،

امام معصوم (ع) فرمودند: کسی که نماز گذارد در روز چهارشنبه به چهار رکعت که در هر رکعت سوره حمد و اخلاص و قدر را یک بار بخواند خداوند از هر گناهی از او بر می گردد و حور العین را به همسری او در می آورد.^{۳۶}

قرائت هل اتی در نماز صبح پنجشنبه و پاک شدن

گناهان

أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ أَنَا ضَامِنٌ لِمَنْ كَانَ مِنْ شِيعَتِنَا إِذَا قَرَأَ فِي صَلَاةِ الْغَدَاةِ مِنْ يَوْمِ الْخَمِيسِ هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ ثُمَّ مَاتَ مِنْ يَوْمِهِ أَوْ لَيْلَتِهِ أَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ آمِنًا بغيرِ حِسَابٍ عَلَى مَا فِيهِ مِنْ ذُنُوبٍ وَ عِيُوبٍ وَ لَمْ يَنْشُرِ اللَّهُ لَهُ دِيُونََ الْحِسَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَا يُسْأَلُ مَسْأَلَةَ الْقَبْرِ وَ إِنْ عَاشَ كَانَ مَحْفُوظًا مَسْتُورًا مَصْرُوفًا عَنْهُ آفَاتُ الدُّنْيَا كُلِّهَا وَ لَمْ

يَتَعَرَّضُ لَهُ شَيْءٌ مِّنْ هَوَاءٍ الْأَرْضِ إِلَى الْخَمِيسِ
الثَّانِي إِنْ شَاءَ تَعَالَى ،

امام صادق (ع) فرمودند: من ضامنم برای کسی
که از شیعیان ما است که در نماز صبح روز پنج
شنبه بخواند (سوره) هل اتی علی الانسان سپس
بمیرد در روز یا شبش اینکه در بهشت وارد می
شود ایمن وبدون حساب در آنچه در او از گناه و
عیوب بوده روز قیامت دیوان حساب او باز نمی
شود .^{۳۷} (یا انتشار نمی یابد) سوالهای قبر پرسیده
نمی شود . و اگر زنده ماند محفوظ ومستور می
ماند . از او آفات دنیا باز دارنده می شود .
ومتعرض او (حوادث) چیزی از شن ریزه های
زمین نمی شود تا روز پنج شنبه دوم اگر خدا
بخواهد.^{۳۷}

فضیلت انا انزلنا در پاک شدن گناه

أَبَى جَعْفَر (ع) قَالَ مَنْ قَرَأَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ
يَجْهَرُ بِهَا صَوْتُهُ كَانَ كَالشَّاهِرِ سَيْفَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ
مَنْ قَرَأَهَا سِرًّا كَانَ كَالْمُتَشَحِّطِ بَدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
وَمَنْ قَرَأَهَا عَشْرَ مَرَّاتٍ غُفِرَتْ لَهُ عَلَى نَحْوِ أَلْفِ
ذَنْبٍ مِنْ ذُنُوبِهِ ،

امام باقر (ع) می فرماید: کسی که انا انزلناه فی
لیله القدر را با صدای بلند بخواند مثل شمشیر
زدن در راه خدا می باشد . و کسی که در خفا
بخواند مثل کسی می باشد که خونس را در راه
خدا داده است و اگر بخواند این سوره را ده مرتبه
برای او هزار گناه از گناهانش بخشیده می شود.^{۳۸}

استرجاع و پاک شدن گناه

أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ مَا مِنْ عَبْدٍ يُصَابُ بِمُصِيبَةٍ
 فَيَسْتَرْجِعُ عِنْدَ ذِكْرِهِ الْمُصِيبَةَ وَيَصْبِرُ حِينَ تَفْجَأُهُ
 إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَكَلَّمَا ذَكَرَ مُصِيبَتَهُ
 فَاسْتَرْجَعَ عِنْدَ ذِكْرِ الْمُصِيبَةِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ كُلَّ ذَنْبٍ
 اكْتَسَبَ فِيمَا بَيْنَهُمَا

امام باقر (ع): بنده ای نیست که به مصیبتی
 گرفتار آید، پس هنگام یاد آوری مصیبت بگوید
 انا لله وانا اليه راجعون و هنگام مصیبت صبر کند
 تا اینکه خداوند همه گناهان گذشته او را می
 بخشد. و چنانچه مصیبت را یاد آوری کند و بگوید
 انا لله وانا اليه راجعون خداوند گناهانی را که بین
 این دو یاد آوری به دست آورده می بخشد.^{۳۹}

خواندن دعا و پاک شدن از گناهان

وَعَنْهُ (ص) مَنْ قَالَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ فِي كُلِّ يَوْمٍ
عَشْرًا غَفَرَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ أَرْبَعَةَ آلَافٍ كَبِيرَةٍ وَوَقَّاهُ
مِنْ شَرِّ الْمَوْتِ وَضَغَطَةِ الْقَبْرِ وَالنُّشُورِ وَالْحِسَابِ
وَالْأَهْوَالِ كُلِّهَا وَهُوَ مِائَةٌ هَوْلٌ أَهْوَنُهَا الْمَوْتُ وَوَقَّى
مِنْ شَرِّ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ وَقَضَى دَيْنَهُ وَكُشِفَ هَمُّهُ
وَعُذِّمَ وَفُرِّجَ كَرْبُهُ وَهِيَ هَذِهِ أَعَدَدْتُ لِكُلِّ هَوْلٍ لَا
إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ لِكُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لِكُلِّ نِعْمَةٍ
الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لِكُلِّ رَخَاءٍ الشُّكْرُ لِلَّهِ وَ لِكُلِّ أَعْجُوبَةٍ
سُبْحَانَ اللَّهِ وَ لِكُلِّ ذَنْبٍ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ لِكُلِّ مُصِيبَةٍ
إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَ لِكُلِّ ضَيْقٍ حَسْبِيَ اللَّهُ وَ
لِكُلِّ قَضَاءٍ وَ قَدَرٍ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَ لِكُلِّ عَدُوٍّ
اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ وَ لِكُلِّ طَاعَةٍ وَ مَعْصِيَةٍ لَا حَوْلَ وَ لَا
قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ

نبی اکرم (ص): هر کس این کلمات را در هر

روز ده مرتبه بگوید خداوند متعال چهل هزار گناه

کبیره از او می بخشد. و او را از بدی مرگ نجات
می دهد و از تنگی قبر و از روز قیامت و حساب و
اهوال قیامت که صد هول می باشد و راحت ترین
آن مرگ می باشد و نگه می دارد از شر ابلیس
و لشکریانش و دینش را ادا می کند. و هم و غمش
را بر طرف می کند. و سختیهای او را گشایش می
دهد. و این کلمات برای هر هولی شمرده شده
است. نیست معبود جز پروردگار و برای هر
هم غم آنچه را خدا بخواهد و برای هر نعمت
ستایش خدا را و برای هر سختی سپاس پروردگار
را! و برای هر شگفت انگیزی تسبیح خداوند!
و برای هر گناهی طلب مغفرت می کنم از خداوند!
و در هر مصیبتی همه ما از خدائیم و به سوی خدا
بر مگردیم و برای هر تنگی خداوند مرا کفایت
می کند! و برای هر قضا و قدری بر خداوند توکل
می کنم و برای هر دشمنی به خدا پناه می برم

و برای هر طاعت و معصیتی نیست ، حول و قوه ای
به جز خدای علی و عظیم. ۴۰

چراغ مسجد

بردن چراغ به مسجد و پاک شدن گناهان

وَعَنِ النَّبِيِّ (ص) قَالَ مَنْ أَذْخَلَ لَيْلَةً وَاحِدَةً سِرَاجًا
فِي الْمَسْجِدِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَ سَبْعِينَ سَنَةً وَ كَتَبَ
لَهُ عِبَادَةً سَنَةً وَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ مَدِينَةٌ وَ إِنْ زَادَ عَلَى
لَيْلَةٍ وَاحِدَةٍ فَلَهُ بِكُلِّ لَيْلَةٍ يَزِيدُ ثَوَابُ نَبِيٍّ فَإِذَا تَمَّ
عَشْرُ لَيَالٍ لَا يَصِفُ الْوَاصِفُونَ مَا لَهُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ
الثَّوَابِ فَإِذَا تَمَّ الشَّهْرُ حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ

پیامبر اسلام (ص) فرمودند : کسی که یک شب
چراغی را در مسجد قرار دهد . خداوند گناهان
هفتاد سال او را می بخشد . و برای او عبادت یک

سال را می نویسد . و برای او نزد خداوند شهری
می باشد . و اگر از یک شب بیشتر شد پس برای او
به هر شبی ثواب نبی زیاد میکند و اگر ده شب
تمام شد . دیگر آنچه را نزد خداوند از ثواب است
وصف کننده گان نمی توانند وصف کنند . و وقتی
که یک ماه تمام شد خداوند جسد او را بر آتش
حرام میکند.^{۴۱}

^{۴۱} بحار الأنوار ، ج ۸۰ ، ص ۳۷۷

روزه ماه مبارک رمضان

روزه ماه رمضان: «مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». (البخاری).

پیامبر -ص- می فرماید: هر کس ماه رمضان را بر اساس ایمان و امید به اجر و پاداش خداوند روزه بگیرد گناهان پیشین او بخشیده می شود.

احیاء و بیداری در شبهای قدر

«مَنْ قَامَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ». (البخاری):

هر کس شبهای قدر را با ایمان و امید به اجر و پاداش بیدار و در آنها به عبادت بپردازد گناهان پیشین او بخشیده می‌شوند.

قرائت سوره سئل و پاک شدن گناهان

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ أَكْثَرُوا مَنْ قَرَأَهُ سَأَلَ
سَائِلٌ قَالَ مَنْ أَكْثَرَ قَرَأَتَهَا لَمْ يَسْأَلْهُ اللَّهُ تَعَالَى يَوْمَ
الْقِيَامَةِ عَنْ ذَنْبِ عَمَلِهِ وَ أَسْكَنَهُ الْجَنَّةَ مَعَ مُحَمَّدٍ وَ
أَهْلِ بَيْتِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ ،

امام صادق (ع) فرمودند : زیاد سوره سئل سائل را
قرائت کنید . هر کس زیاد این سوره را قرائت
کند، خداوند تعالی در روز قیامت از گناه عملش
سوال نمی کند و او را بامحمد (ص) و اهلبیتش که

درود خدا بر ایشان باد در بهشت ساکن می کند

(۴۲)

قرائت قل هو الله احد در بستر وپاک شدن گناهان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مِائَةً
مَرَّةً حِينَ يَأْخُذُ مَضْجَعَهُ غُفِرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَ خَمْسِينَ
سَنَةً ،

رسول اکرم (ص) فرمودند : کسی که قل هو الله
احد را صد مرتبه بخواند هنگامی که می خواهد در
بستر قرار گیرد . خداوند گناه پنجاه سال او را می
بخشد (۴۳)

**ثواب قرائت لا حول و لا قوه الا بالله وپاک شدن
گناهان**

۴۲ بحار الأنوار ، ج ۸۹ ، ص ۳۱۷

۴۳ الکافی ، ج ۲ ، ص ۶۲۰

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ رَأَيْتُ النَّبِيَّ (ص) وَهُوَ يَقُولُ لَا
 حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ قُلْتُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ
 مَا ثَوَابُهُ قَالَ تَسْبِيحُ حَمَلَةِ الْعَرْشِ فَمَنْ قَالَ مَرَّةً لَا
 حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ غُفِرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَ مِائَةِ سَنَةٍ وَ
 كُتِبَ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ مِائَةُ حَسَنَةٍ وَ رَفَعَ لَهُ مِائَةُ دَرَجَةٍ
 فَإِنْ زَادَ عَلَى مَرَّةٍ وَاحِدَةٍ فَلَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ كَنْزٌ وَ نُورٌ
 لِلصِّرَاطِ ،

ابن عباس میگوید : دیدم پیامبر اسلام (ص)
 میگوید لا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم .
 عرض کردم ! ای نبی خدا ثوابش چیست ؟ فرمود
 تسبیح حمله عرش می باشد . پس کسی که بگوید
 یکبار لا حول ولا قوه الا بالله خداوند گناهان صد
 سال او را می بخشد و برای هر حرف صد حسنه
 برای او می نویسد و برای او صد درجه بالا می برد
 و اگر زیاد بر یک مرتبه شد برای هر حرفی

گنجی و نوری است برای راه^{۴۴}!

قرائت دویست مرتبه قل هو الله احد وپاک شدن

گناهان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مَنْ قَرَأَ كُلَّ يَوْمٍ مِائَتِي مَرَّةً قُلْ
هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ وَخَمْسِمِائَةَ حَسَنَةٍ وَ
مَحَا عَنْهُ ذُنُوبَ خَمْسِينَ سَنَةً إِلَّا أَنْ يَكُونَ عَلَيْهِ
دَيْنٌ ،

پیامبر اسلام (ص) کسی که هر روز دویست مرتبه
قل هو الله احد بخواند . خداوند هزار و پانصد
حسنة برای او می نویسد. و گناهان پنجاه سال را
از او محو می کند. مگر این که براو دینی باشد^{۴۵})

ذکر لا اله الا الله وپاک شدن گناهان

^{۴۴} مستدرک الوسائل ، ج ۵ ، ص ۳۷۲

^{۴۵} بحار الأنوار ، ج ۸۹ ، ص ۳۵۲

قال رسول الله (ص) لو أن المؤمن خرج من الدنيا و
عليه مثل ذنوب أهل الأرض لكان كفارة لتلك
الذنوب ثم قال ص من قال لا إله إلا الله بإخلاص
فهو برىء من الشرك و من خرج من الدنيا لا
يشرك بالله شيئاً دخل الجنة ثم تلا هذه الآية إِنَّ
اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ
يَشَاءُ مِنْ شِيعَتِكَ و محبيک یا علی

پیامبر اسلام فرمودند :اگر مومن خارج از دنیا
شود و بر او مثل گناهان اهل زمین باشد . هر آینه
برای آن گناهان کفاره میباشد . سپس فرمودند
:کسی که لا اله الا الله را با خلاص بگوید پس او
بری از شرک می باشد وکسی که ازدنیا خارج شد
وبه خداوند شرکی نورزید به بهشت داخل شد
.سپس این آیه را تلاوت نمودند : (به درستی
خداوند نمی بخشد کسی که شرک بورزد به او

ومی بخشد غیر آن را برای کسی که بخواهد) از
شیعه تو و دوست دار تو یا علی^(۴) !

استغفار کننده در روز

یکی از پاک کننده های گناه ذکر لسانی و طلب
استغفار می باشد که در روایات به آن توجه خاص
شده است .

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) مَنْ قَالَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِائَةً مَرَّةً
فِي كُلِّ يَوْمٍ غُفِرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ سَبْعُمِائَةِ ذَنْبٍ وَلَا
خَيْرَ فِي عَبْدٍ يُذْنِبُ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعُمِائَةِ ذَنْبٍ

امام صادق (ع) :کسی که درروز صد مرتبه
استغفار کند خداوند عز وجل هفت صد گناه از او

می آمرزد و بنده ای که در هر روز هفت صد گناه
انجام می دهد در او خیری نیست

تهلیل واستغفار هنگام خواب وپاک شدن همه
گناهان

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ مَنْ قَالَ حِينَ يَأْوِي إِلَى
فِرَاشِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِائَةً مَرَّةً بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي
الْجَنَّةِ وَ مَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ مِائَةً مَرَّةً حِينَ يَنَامُ بَاتَ وَ
قَدْ تَحَاتَّتِ الذُّنُوبُ كُلُّهَا عَنْهُ كَمَا يَتَحَاتُّ الْوَرَقُ مِنَ
الشَّجَرِ وَ يُصْبِحُ وَ لَيْسَ عَلَيْهِ ذَنْبٌ ،

امام صادق (ع) فرمودند :کسی که هنگام خواب
بگوید لا اله الا الله صد مرتبه خدا در بهشت برای
او خانه ای بنا می کند وکسی بگوید صد مرتبه
استغفار کند هنگام خواب مثل اینکه شب را بیدار
بوده و همه گناهان می ریزد مثل ، ریختن برگ

درخت و صبح می کند در حالی گناهی بر او نیست

(۴۷)

استغفار بعد از نماز عصر و پاک شدن گناهان

عن أبي عبد الله الصادق جعفر بن محمد (ع) قال
من استغفر الله عز و جل بعد العصر سبعين مرة
غفر الله له ذلك اليوم سبعمائه ذنب فإن لم يكن
له فلائيه فإن لم يكن لأبيه فلائمه فإن لم يكن لأمه
فلائيه فإن لم يكن لأخيه فلائته فإن لم يكن
لأخته فلائقرب فلائقرب

امام صادق (ع) فرمودند: کسی که طلب استغفار
کند از خداوند عز و جل بعد از نماز عصر هفتاد
مرتبه خداوند در آن روز هفتصد گناه می بخشد.
پس اگر برای او (گناه) نباشد برای پدرش می

بخشد واگر برای پدرش (گناه) نباشد برای
مادرش می بخشد واگر نبوده باشد برای مادرش
پس برای برادرش می بخشد واگر برای برادرش
نباشد برای خواهرش واگر برای خواهر هم
گناهی نبود برای نزدیک به او)^{۴۸}

استغفار هنگام خواب و پاک شدن گناهان

از جمله پاک کننده های گناه استغفار قبل از
خواب میباشد .چونکه انسان قبل از خواب بیاد
گناهان روز می افتد وبا طلب مغفرت هم گناهان
را پاک وهم حسابرسی نفس خود نموده است
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ مَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ مِائَةً مَرَّةً
حِينَ يَنَامُ بَاتَ وَقَدْ تَحَاتَّ عَنْهُ الذُّنُوبُ كُلُّهَا كَمَا
يَتَحَاتُّ الْوَرَقُ مِنَ الشَّجَرِ وَيُصْبِحُ وَلَيْسَ عَلَيْهِ ذَنْبٌ

امام صادق (ع) کسیکه هنگام خواب صد مرتبه
استغفار کند، شب را طی می کند در حالی که تمام
گناهان او می ریزد همانطور که برگ درختان می
ریزد. و در حالی که گناهی بر او نیست صبح می
کند). ۴۹

وَعَنْهُ (ع) طُوبَى لِلْعَبْدِ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْ ذَنْبٍ لَمْ
يَطْلُعْ عَلَيْهِ غَيْرُهُ فَإِنَّمَا مَثَلُ الِاسْتِغْفَارِ عَقِيبَ الذَّنْبِ
مَثَلُ الْمَاءِ يُصَبُّ عَلَى النَّارِ فَيُطْفِئُهَا امام معصوم (ع)
خوشا به حال بنده ای که از خدا طلب استغفار می
کند از گناهی که غیر او بر آن مطلع نیست. پس
بدرستی که مثل استغفار بعد از گناه مثل آبی
است که بر آتش ریخته می شود و او را خاموش
می کند). ۵۰

۴۹ وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۴۵۱

۵۰ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۲۴

در روز قیامت گناهان انسان را به او نشان می
دهند اما موقعی خوشایند او خواهد بود که آنها را
با طلب استغفار بیابد

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) طُوبَى لِمَنْ وَجَدَ فِي صَحِيفَةٍ
عَمَلَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَحْتَ كُلِّ ذَنْبٍ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ

رسول خدا (ص) فرمود: خوشا به حال کسی که در
روز قیامت در صحیفه عملش در زیر هر گناه کلمه
استغفر الله را می یابد ^{۵۱}

طلب استغفار در روز جمعه و پاک شدن از گناهان

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ مَنْ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ تَعَالَى
يَوْمَ الْجُمُعَةِ بَعْدَ الْعَصْرِ سَبْعِينَ مَرَّةً يَقُولُ أَسْتَغْفِرُ
اللَّهَ وَآتُوبُ إِلَيْهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذَنْبَهُ فِيمَا سَلَفَ وَ

^{۵۱} وسائل الشیعة ، ج ۱۶ ، ص ۶۹

عَصَمَهُ فِيمَا بَقِيَ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ بُغْفَرٌ لَهُ ذَنْبٌ
وَالِدَيْهِ

امام صادق (ع): کسی که در روز جمعه بعد از نماز
عصر طلب استغفار از خدای متعال نماید هفتاد
مرتبه بگوید استغفر الله واتوب اليه خداوند گناه
او را می بخشد در گذشته و پاک می دارد او را در
آنچه باقی است و اگر چه برای او گناهی نباشد ،
گناهان والدین او را می بخشد).^{۵۲}

^{۵۲} مستدرک الوسائل ج ۶ ، ص ۹۵

ناراحتی ها، مشکلات و غم و غصه ها گناهان را
پاک می کند

پیامبر (ص) فرمود:

سَاعَاتُ الْهُمُومِ سَاعَاتُ الْكَفَّارَاتِ

لحظه های غم و غصه، کفارہ گناه است

مرگ و پاک شدن گناه

وَقَالَ الصَّادِقُ ع الْمَوْتُ كَفَّارَةٌ ذَنْبِ كُلِّ مُؤْمِنٍ،

امام صادق (ع) : مرگ کفارہ گناه هر مؤمن

میباشد.^{۵۳}

ابتلا و پاک شدن گناهان

^{۵۲} من لایحضره الفقیه ، ج ۱ ، ص ۱۳۴

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) قَالَ مَا مِنَ الشَّيْعَةِ عَبْدٌ يُقَارَفُ أَمْرًا نَهَيْنَاهُ عَنْهُ فَيَمُوتُ حَتَّى يُبْتَلَى بِبَلِيَّةٍ تُمَحِّصُ بِهَا ذُنُوبَهُ إِمَّا فِي مَالٍ وَ إِمَّا فِي وَلَدٍ وَ إِمَّا فِي نَفْسِهِ حَتَّى يَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَا لَهُ ذَنْبٌ وَ إِنَّهُ لَيَبْقَى عَلَيْهِ الشَّيْءُ مِنْ ذُنُوبِهِ فَيُشَدَّدُ بِهِ عَلَيْهِ عِنْدَ مَوْتِهِ

علی (ع) : می فرماید : از شیعه بنده ای نیست که مرتکب امری شود که ما آن را نهی کرده ایم او را از آن پس می میرد تا اینکه مبتلا شود به بلایی که بواسطه آن پاک می کند گناهان او را (این بلا) یا در فرزند یا در مال یا در خودش تا اینکه ملاقات کند خداوند عز وجل را و برای او گناهی نباشد .، چنانچه برای او گناهی باقی ماند هنگام مرگ براو (بلا) شدت پیدا می کند.^{۵۴}

بیماری وهم و پاک شدن گناهان

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) السُّقْمُ يَمْحُو الذُّنُوبَ وَ قَالَ
ص سَاعَاتُ الْوَجَعِ يُذْهِبْنَ سَاعَاتِ الْخَطَايَا وَ قَالَ
ص سَاعَاتُ الْهُمُومِ سَاعَاتُ الْكَفَّارَاتِ وَ لَا يَزَالُ الْهَمُّ
بِالْمُؤْمِنِ حَتَّى يَدَعَهُ وَ مَا لَهُ مِنْ ذَنْبٍ ،

رسول خدا (ص) فرمود : بیماری گناه را محو می
کند . و فرمود (ص) ساعات درد و بیماری ساعات
خطا و گناه را می برد و فرمود (ص): لحظات هم
و غم لحظات کفاره های گناهان می باشد . و پیوسته
هم و غم برای مؤمن هست تا اینکه او را رها کند و
برای او گناهی نباشد. ۵۵.

بیماری و پاک شدن گناهان

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَا عَلِيُّ أَيْنَ الْمَرِيضِ تَسْبِيحٌ

وَصِيَا حُهُ تَهْلِيلٌ وَنَوْمُهُ عَلَى الْفَرَاشِ عِبَادَةٌ وَتَقْلُبُهُ
جَنْبًا إِلَى جَنْبٍ فَكَأَنَّمَا يُجَاهِدُ عَدُوَّ اللَّهِ وَيَمْشِي فِي
النَّاسِ وَمَا عَلَيْهِ ذَنْبٌ،

رسول خدا (ص) فرمودند : یا علی ! آه مریض
تسبیح می باشد و ناله و فریاد او تهلیل می باشد و
خوابش بر روی بستر عبادۀ می باشد و حرکت او
از این پهلوی به آن پهلوی مثل اینکه مجاهده می کند
با دشمن خدا و در بین مردم راه می رود در حالی
که گناهی برای او نمی باشد^{۵۶}

کسی که مؤمن را بپوشاند

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ كَسَا
أَحَدًا مِنْ فَقَرَاءِ الْمُسْلِمِينَ ثَوْبًا مِنْ عُرَى أَوْ أَعَانَهُ
بِشَيْءٍ مِمَّا يَقُوتُهُ مِنْ مَعِيشَتِهِ وَكَلَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ
سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ يَسْتَغْفِرُونَ لِكُلِّ
ذَنْبٍ عَمَلَهُ إِلَى أَنْ يُنْفَخَ فِي الصُّورِ

ترجمه : پیامبر اسلام (ص) فرمودند : کسیکه یکی
از فقرا مسلمین عریان را لباس بپوشاند ، یا در
قوت زندگی او را یاری کند . خداوند عز وجل
هفتاد هزار ملک از ملائکه را موکل می کند که
برای هر گناهی از عمل او طلب مغفرت کنند . تا
روزی که در صور دمیده شود. ۵۷

تشیع جنازه وپاک شدن از گناهان

عَنِ الرَّضَا ع فِي حَدِيثٍ أَنَّهُ قَالَ يَا مُوسَى بْنُ سَيَّارٍ
 مَنْ شَيَّعَ جَنَازَةً وَلِيَ مِنْ أَوْلِيَائِنَا خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ
 كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ لَا ذَنْبَ عَلَيْهِ الْخَبَرُ،

امام رضا (ع) : ای موسی سیار ! کسی که جنازه
 ولی از اولیای ما را تشیع کند از گناه خارج می
 شود مثل روزی که از مادر متولد گردیده که هیچ
 گناهی براو نیست. ۵۸

تعلیم و پاک شدن گناهان

وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ تَعَلَّمَ مَسْأَلَةً وَاحِدَةً
 قَلَّدَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلْفَ قَلَائِدٍ مِنَ النُّورِ وَغُفِرَ لَهُ
 أَلْفَ ذَنْبٍ وَبَنِيَ لَهُ مَدِينَةٌ مِنْ ذَهَبٍ وَكُتِبَ لَهُ بِكُلِّ
 شَعْرَةٍ عَلَى جَسَدِهِ حَجَّةٌ،

رسول خدا (ص): کسی که یک مسئله را به کسی یاد دهد ، خداوند در روز قیامت هزار گردنبند از نور به گردن او می آویزد و هزار گناه از او می بخشد و شهری از طلا برای او بنا می کند و برای هر یک از موی بدن او یک حج برای او می نویسد. ۵۹

روزه ماه شعبان و پاک شدن گناهان

عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) شَعْبَانُ شَهْرِي وَ رَمَضَانُ شَهْرُ اللَّهِ فَمَنْ صَامَ مِنْ شَهْرِي يَوْمًا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ صَامَ مِنْهُ يَوْمَيْنِ كَانَ مِنْ رُقَقَاءِ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ صَامَ الشَّهْرَ كُلَّهُ وَ وَصَلَهُ بِشَهْرِ

رَمَضَانَ كَانَ ذَلِكَ تَوْبَةً لَهُ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ صَغِيرٍ أَوْ
كَبِيرٍ وَلَوْ مِنْ دَمٍ حَرَامٍ ،

پیامبر اسلام (ص) فرمودند : شعبان ماه من است
و رمضان ماه خدا پس کسی که یک روز از ماه را
روزه بگیرد، بهشت بر او واجب می گردد و کسی
که دو روز روزه بگیرد از دوستان انبیا و صدیقین
در روز قیامت قرار می گیرد و کسی که همه ماه را
روزه بگیرد و وصل کند آنرا به ماه رمضان برای
او توبه از همه گناهان از کوچک و بزرگ ولو از
خون حرام قرار می دهد.^{۶۰}

صله ارحام گناهان را محو می نماید

اسحاق بن عمار می گوید: از امام صادق (ع)

:شنیدم که فرمود

إِنَّ صَلَّةَ الرَّحِمِ وَالْبِرَّ لِيَهَوِّنَا الْحِسَابَ وَيَعْصِمَنَا
مِنَ الذُّنُوبِ

صله رحم و احسان و نیکی، حساب را آسان می
کنند و انسان را از گناهان نکه می دارند

مصافحه کردن و دست دادن پاک کننده گناهان
است

امام باقر (ع) فرمود

وقتی دو مؤمن به هم رسیدند و با هم دست
دادند، گناهان آن دو می ریزد، چنان که برگ از
درخت می ریزد و تا زمانی که از هم جدا نشده
اند، خداوند به آنان نظر رحمت می کند.^{۶۱}

تلاوت قرآن

:پیامبر (ص) به سلمان فرمود

يَا سَلْمَانَ عَلَيْكَ بِقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ فَإِنَّ قِرَاءَتَهُ كَفَّارَةٌ
الذُّنُوبِ^{٦٢}

ای سلمان بر تو باد بر خواندن قرآن، زیرا
خواندن قرآن، کفاره گناهان است

:حضرت امام صادق (ع) فرمود

تلاوت هر آیه ای از قرآن، ده حسنه دارد و ده
سیئه و گناه را محو می نماید^{٦٣}.

افطاری دادن به روزه داران مؤمن

:امام صادق (ع) فرمود

مَنْ فَطَرَ مُؤْمِنًا كَانَ كَفَّارَةً لِّذَنْبِهِ^{٦٤}

^{٦٢} مستدرک الوسائل، ج ٧، ص ٣١.

^{٦٣} وسائل الشیعه، ج ٤، ص ٨٥١.

افطاری دادن به مؤمنِ روزه دار، کفاره گناهان
است.

فریادرسی از ستمدیدگان

:امام علی (ع) فرمود

مِنْ كَفَّارَاتِ الذُّنُوبِ الْعِظَامِ إِغَاثَةُ الْمَلْهُوفِ وَ
التَّنْفِيسُ عَنِ الْمَكْرُوبِ^{۶۵}

از جمله کفارات گناهان بزرگ، فریادرسی از
مصیبت زدگان و تسلی دادن رنج دیدگان است.

رسیدگی به بیمار

:پیامبر (ص) فرمود

وَمَنْ سَعَى لِمَرِيضٍ فِي حَاجَةٍ قَضَاهَا خَرَجَ مِنْ
ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ^{۶۶}

^{۶۵} وسائل، ص ۱۰۱، نساء/ ۳۱.

^{۶۶} نهج البلاغه، قصار ۲۴.

کسی که برای برطرف شدن مشکل بیماری، تلاش کند و مشکل او را برطرف کند از گناهانش خارج می شود مانند روزی که از مادر زاده شد.

زیارت قبور اهل بیت علیهم السلام خصوصاً زیارت حضرت سیدالشهداء (ع)

امام صادق (ع) فرمود

لَا تَدْعُ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (ع) لَخَوْفٍ فَإِنَّ مَنْ تَرَكَهُ
رَأَى مِنَ الْحَسْرَةِ مَا يَتَمَنَّى أَنْ قَبْرَهُ كَانَ عِنْدَهُ أَمَا
تُحِبُّ أَنْ يَرَى اللَّهُ شَخْصَكَ وَ سَوَادَكَ فِيمَنْ يَدْعُو
لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْأَئِمَّةُ عَلَيْهِمُ
السَّلَامُ أَمَا تُحِبُّ أَنْ تَكُونَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ بِالْمَغْفَرَةِ لِمَا
مَضَى وَ يَغْفَرُ لَهُ ذُنُوبُ سَبْعِينَ سَنَةً أَمَا تُحِبُّ أَنْ
تَكُونَ مِمَّنْ يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا وَ لَيْسَ عَلَيْهِ ذَنْبٌ يَتَّبَعُ

بِهَ أَمَّا تُحِبُّ أَنْ تَكُونَ غَدًا مِمَّنْ يَصَافِحُهُ رَسُولُ اللَّهِ
(ص). ۶۷

بخاطر خوف و هراس زیارت قبر امام حسین (ع)
را ترک مکن زیرا کسی که زیارت آن حضرت را
ترک کند چنان حسرتی ببیند که تمنا و آرزو کند
قبر آن جناب نزدش باشد، آیا دوست نداری که
خداوند متعال تو را در زمره کسانی محسوب کند
که رسولش (ص) و حضرات علی و فاطمه و ائمه
علیهم السلام برایش دعا می کنند؟

آیا دوست نداری از کسانی باشی که گناهان
گذشته ات آمرزیده شده و برای گناهان هفتاد
سال طلب غفران برایت کنند؟

آیا دوست نداری از کسانی باشی که از دنیا خارج
می شوند در حالی که گناهی قابل مواخذه ندارند؟

آیا دوست نداری فردای قیامت از کسانی باشی که
رسول خدا (ص) با آنها مصافحه می کند؟

روز عرفه وزوار امام حسین (ع) وپاک شدن از

گناهان

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمُ عَرَفَةَ نَظَرَ
اللَّهُ تَعَالَى إِلَى زُورِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ ع فَقَالَ ارْجِعُوا
مَغْفُورًا لَكُمْ مَا مَضَى وَلَا يُكْتَبُ عَلَى أَحَدٍ مِنْكُمْ
ذَنْبٌ سَبْعِينَ يَوْمًا مِنْ يَوْمٍ يَنْصَرِفُ ،

امام صادق (ع) وقتی که روز عرفه شد خداوند
تعالی به زوار قبر حسین (ع) نگاه کرد پس فرمود
برگردید که گناهان گذشته شما بخشیده شد واز
روزی که برمی گردید گناه هفتاد روز شما نوشته
نمی شود.^{۶۸}

زائر امام حسین (ع) وپاک شدن گناهان

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ فِي
كَرَامَةِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ فِي شَفَاعَةِ مُحَمَّدٍ ص
فَلْيَكُنْ لِلْحُسَيْنِ ع زَائِرًا يَنَالُ مِنَ اللَّهِ أَفْضَلَ الْكَرَامَةِ
وَ حُسْنَ الثَّوَابِ وَ لَا يَسْأَلُهُ عَنْ ذَنْبٍ عَمَلَهُ فِي حَيَاةِ
الدُّنْيَا وَ لَوْ كَانَتْ ذُنُوبُهُ عَدَدَ رَمْلِ عَالِجٍ وَ جَبَالِ
تِهَامَةٍ وَ زَبَدِ الْبَحْرِ إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ ع قَتَلَ
مَظْلُومًا مُضْطَهَدًا نَفْسُهُ وَ عَطْشَانًا هُوَ وَ أَهْلُ بَيْتِهِ وَ
أَصْحَابُهُ

امام صادق(ع) فرمودند : کسی که اراده کرده در
کرامت الهی در روز قیامت قرار گیرد ودر شفاعت
محمد (ص) پس زیارت کننده حسین (ع) باشد با
فضیلت ترین کرامتها از طرف خداوند به او می
رسد و بهترین ثوابها ودر زندگی دنیا از گناه عمل
او سوال نمی شود اگر چه عدد گناهان او به تعداد

ریگهای انبوه و کوههای مکه و کفهای دریا باشد .
بدرستی که حسین بن علی (ع) مظلوم کشته شد
و ستم شده براو در حالی که او و خانواده اش تشنه
بودند. ۶۹

زائر امام حسین (ع) و پاک شدن گناهان

أبا عبد الله جعفر بن محمد (ع) أن الحسين بن
علي عند ربه ينظر إلى موضع معسكرة و من حله
من الشهداء معه و ينظر إلى زواره و هو أعرف
بهم و بأسمائهم و أسماء آبائهم و بدرجاتهم و
منزلتهم عند الله عز و جل من أحدكم بولده و إنه
ليري من يبكيه فيستغفر له و يسأل آباءه ع أن
يستغفروا و يقول لو يعلم زائري ما أعد الله له كان

فرحه أكثر من جزعه و إن زائرہ لينقلب و ما عليه
من ذنب ،

امام صادق (ع) فرمودند: بدرستی که حسین بن
علی (ع) نزد پروردگارش به اردوگاهش نگاه
میکند و کسانی که با او به شهادت رسیده اند و به
سوی زوارش نگاه میکند، و به درستی کسی را که
برای او گریه می کند می بیند پس برای او طلب
استغفار می کند و از پدرانش می خواهد که برای
او طلب استغفار کنند و می گویند اگر زائر من می
دانست که چه چیز خداوند برای او آماده کرده
است ، خوشحالی او بیشتر می شد از گریه اش
و بدرستی زائر بر می گردد در حالی که گناهی بر
او نیست. ۷۰

زائر امام حسین (ع) و پاک شدن گناهان

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ فِي
 كَرَامَةِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَفِي شَفَاعَةِ مُحَمَّدٍ ص
 فَلْيَكُنْ لِلْحُسَيْنِ ع زَائِرًا يَنَالُ مِنَ اللَّهِ أَفْضَلَ الْكَرَامَةِ
 وَحُسْنَ الثَّوَابِ وَلَا يَسْأَلُهُ عَنْ ذَنْبِ عَمَلِهِ فِي حَيَاةِ
 الدُّنْيَا وَلَوْ كَانَتْ ذُنُوبُهُ عَدَدَ رَمْلِ عَالِجٍ وَجِبَالِ
 تِهَامَةٍ وَزَبَدِ الْبَحْرِ إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ (ع) قُتِلَ
 مَظْلُومًا مُضْطَهَدًا نَفْسُهُ وَعَطْشَانًا هُوَ وَ أَهْلُ بَيْتِهِ وَ
 أَصْحَابُهُ ،

امام صادق (ع) فرمودند : کسی که اراده کرده در
 کرامت الهی در روز قیامت قرار گیرد . و در
 شفاعت محمد (ص) پس زیارت کننده حسین (ع)
 باشد که با فضیلت ترین کرامتها از طرف خداوند
 به او می رسد و بهترین ثوابها و در زندگی دنیا از
 گناه عمل او سوال نمی شود ، اگر چه عدد گناهان
 او به تعداد ریگهای انبوه و کوههای مکه و کفهای

دریا باشد . بدرستی که حسین بن علی (ع) مظلوم
کشته شد و براوستم شده در حالی که او خانواده
اش تشنه بودند.^{۷۱}

طواف خانه خدا و خدمت به بندگان خدا و برآورده کردن خواسته های مؤمنان

امام ششم (ع) فرمود

هر کس خانه خدا را طواف کند، خداوند شش
هزار حسنه برای او بنویسد و شش هزار گناه از او
بزداید و شش هزار درجه مقامش را بالا ببرد. روا
ساختن حاجت مؤمن از یک طواف بلکه ده طواف
خانه خدا بهتر است.^{۷۲}

^{۷۱} بحارالانوار ، ج ۹۸ ، ص ۲۷

^{۷۲} کافی، ج ۲، ص ۱۹۴.

کار زن در خانه و انجام هر کاری که از شئون زن
می باشد

مثل حاملگی، زایمان، شیر دادن و... کفاره گناهان
می باشد. در حدیث آمده است که اگر زنی حتی
یک لیوان آب به دست شوهرش بدهد، خداوند
شصت گناه او را می آمرزد و شهری در بهشت
برای او آماده می کند.^{۷۳}

کلمه لااله الا الله نگه دارنده از عذاب الهی

یکی از چیزهایی که پاک کننده گناهان است
گفتن لااله الا الله است.

۷ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۳.

امام رضا (سلسله الذهب) فرمود خداوند فرموده

است: کلمه: لا اله الا الله حصنی و من دخل حصنی

امن من عذابی

یعنی هر که لا اله الا الله بگوید از عذاب من ایمن

است.

البته امام رضا علیه در ادامه روایت فرمودند

بشرطها و شروطها و انا من شروطها.

بشرکی کلمه لا اله الا الله انسان را از عذاب ایمن

می کند که ولایت اهل بیت علیهم از جمله ولایت

امام رضا علیه السلام را قبول داشته باشد.

(همچنین بشرطی که شخص قاتل مومنین و

مومنات نباشد! پس اگر صدام جنایتکار هزار بار هم

این کلمه را بگوید فایده ای برای او نخواهد

داشت)

